

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۰

جمعه ۲۵ آبان ۱۳۹۷، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه های حزب:

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه
فردا مقابل فرمانداری
تمامی معلمان دستگیر شده باید بی قید و شرط
آزاد شوند!

راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز در

خیابانهای اهواز

(ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد)

کارگران نیشکر هفت تپه اعتراضشان را

به سطح شهر کشاندند

(فریاد "مردم شوش، حمایت، حمایت" شهر را فراگرفت)

هشتمین روز اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر

هفت تپه

تجمع و شعار دادن کارگران نیشکر هفت تپه

مقابل فرمانداری شوش

ادامه اعتراض و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد

اهواز

ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد

اهواز و تجمع مقابل استانداری

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

(از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری)

دومین روز اعتصاب سراسری معلمان با قدرت

برگزار شد

معلمان بار دیگر دست به اعتصاب سراسری زدند

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری

خانواده ها نیز به میدان آمدند

تمامی معلمان بازداشتی باید فوراً آزاد شوند

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

اولتیماتوم میدهد

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

به مناسبت بیست و هفتمین سالروز تشکیل حزب

اصغر کریمی

صفحه ۲

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون

صفحه ۳

مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

شهاب بهرامی: رژیم اسلامی و خبرهای ناخوش

حسن صالحی: در باره اعدام "سلطان سکه!"

کیوان جاوید: "سفیر وجدان" و کاپیتالیسم بی وجدان

کاظم نیکخواه: در مورد تولید امامزاده های جدید!

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران

در چهار دهه گذشته

بخش سوم و پایانی

صفحه ۶

نقشه عمل انقلاب زنانه برای

۲۵ نوامبر ۲۰۱۸، یکشنبه چهارم آذر ۱۳۹۷

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

بخش اول اطلاعیه انقلاب زنانه،

بخش دوم راهکارهای عملی انقلاب زنانه

صفحه ۱۳

آیا او شماره یک در لیست مرگ است؟

ترجمه از روزنامه بیلد آلمان

صفحه ۱۲

کارگران صدقه بگیر نیستند!

در حاشیه "بسته های حمایتی دولت!"

صفحه ۱۵

محمد شکوهی

یک و نیم میلیون کودک بی هویت!!

محسن ابراهیمی

صفحه ۱۴

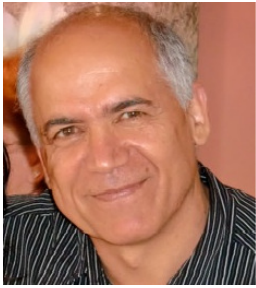
تمامی معلمان بازداشتی باید فوراً آزاد شوند

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اولتیماتوم میدهد

صفحه ۱۸

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری به مناسبت بیست و هفتمین سالروز تشکیل حزب

اصغر کریمی



پیشرو را در موقعیتی دیگر از نقش طبقه کارگر و جایگاه خود آنان داد که خود را در موقعیتی قوی تر ببینند، و این تنها تصویر واقعی بود، تا بتوانند گام های لازم را به جلو بردارند. با این مباحث بود که راه برای بحث مهم تعیین بخشی و چهره دادن به رهبران کارگری فراهم شد. ابتدا بر وجود رهبران کارگری و نقش آنان در سوخت و ساز درونی طبقه کارگر و مبارزات آن تاکید شد تا در گام بعدی بتوان آنها را زیر نورافکن گذاشت، آنها را به جامعه معرفی کرد و موقعیت تازه ای به آنها داد. تعیین بخشی و چهره دادن به رهبران کارگری جنبش کارگری و طبقه کارگر را گام مهمی به جلو برد. اما این نیز جاده مسطح و بی دست اندازی نبود. گفتند امنیت فعالین کارگری را به خطر می اندازد و کارتان مسئولانه نیست، اما خیلی زود به همگان ثابت شد که چه سیاست و جهتگیری درست و مهمی حزب کمونیست کارگری داشته است. این جهتگیری با استقبال جنبش کارگری و رهبران آن که زیر ضرب پلیس قرار میگرفتند، مواجه شد و امروز شاهد دهها و صدها چهره سرشناس در جنبش کارگری هستیم. امروز هیچ جریان و گروه چپی نیست که این جهتگیری را تایید نکرده باشد.

مباحث مربوط به شورا و سنلیکا در سال ۱۳۶۶، اولین مباحث کمونیسم کارگری در مورد تشکل های توده ای کارگری بود که این دو نوع تشکل یا در واقع جنبش سنلیکالیستی و جنبش شورایی و ارتباط آنها را با جنبش های سیاسی در جامعه توضیح داد، زمینه های تاریخی شکل گیری هر کدام را تشریح کرد و اهمیت اتکا بر مجمع عمومی و جنبش شورایی بعنوان تنها تشکلی که توده کارگر

تصویری عینی، علمی و واقعی از طبقه کارگر به مشابه یک طبقه اجتماعی متمایز بود یعنی طبقه محصول تولید بزرگ، با مکانیسم ها و مناسبات درونی خاص خود (منصور حکمت). بر خلاف تفکر این چپ، طبقه کارگر یک توده بی شکل مرکب از احاد منفرد نبود. متمایز نبود. بلکه حتی در بدترین شرایط نیز از اشکال معینی از سازمانیابی "خودبخودی" و سوخت و ساز و آرایش تشکیلاتی برخوردار بود. سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر بدون برسمیت شناختن این اشکال، بسط و گسترش دادن به آنها و متکی شدن به آنها امکانپذیر نبود. اینکه کارگر بی رهبر نبود و رهبران عملی خود را داشت که اعتصابات و مبارزات هر روزه کارگر را نمایندگی میکردند. و اینکه بر خلاف درک چپ خلقی آن دوره، کمونیسم گرایشی در درون جنبش کارگری بود و لازم نبود قطره چکانی اول کمونیسم (صرفنظر از اینکه کمونیسم این چپ هم ربطی به کمونیسم مارکس و کمونیسم مورد نیاز کارگر نبود) به درون کارگران برده شود تا در آینده ای نامعلوم کارگر بود و طبقه کارگر را که در کوران انقلاب تحریک وسیعی را شروع کرده بود نمایندگی میکرد. در واقع حزب کمونیست خودش یک محصول عینی تاریخ مبارزه طبقاتی در یک دوره معین است. اما گام مهم بعدی دادن تصویری روشن از کارگر، آرایش درونی طبقه کارگر، رهبران آن و گرایشات فکری درون آن بود. مشخصات خود طبقه کارگر به عنوان یک پدیده عینی اجتماعی با خصوصیات و خود ویژگی های خود. چپ خرده بورژوازی شناخت درستی از طبقه کارگر، آنطور که هست، نداشت. کارگران در این تفکر یا پرولتاریای مجرد کتاب های تئوری بودند و یا صاحبان "دستان پینه بسته"، تهیدستان و زحمتکشان. آنچه غایب بود

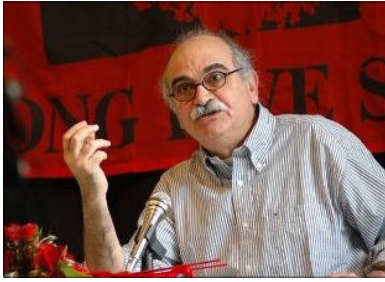
مقابل اقشار و طبقات دیگر و جنبش های آنها با قدرت نمایندگی میکرد. این نقطه عطف مهمی در جامعه ایران و نقطه عطف مهمی برای طبقه کارگر در این مقطع بود. پس از چند سال تئوری های پوپولیستی تحت تاثیر مارکسیسم انقلابی حاشیه ای و عملا کنار رفت و ادبیات مارکسیسم انقلابی بر فضای چپ آن دوره حاکم شد. میخوام بگویم که کمونیسم منصور حکمت مستقیما از بدو فعالیت به کارگر و نقش آن گره خورده بود. کمونیسمی که جنبش اجتماعی طبقه کارگر را بیان میکرد. اینطور نبود که این مباحث فقط به کارگر توجه داشت و برای آینده کارگر مفید بود. بند ناف این مباحث با جنبش کارگری و حضور فعال و اجتماعی طبقه کارگر بریده شده بود و دقیقا بدلیل حضور طبقه کارگر و مربوط بودن این کمونیسم به این طبقه بود که اینطور برد پیدا کرد. این کمونیسم انعکاس اعتراض کارگر به سرمایه داری و نظام مزدی بود و بعنوان یک نیروی اجتماعی محصول این دوره و این شرایط بود. این کمونیسم صدای کارگر بود و طبقه کارگر را که در کوران انقلاب تحریک وسیعی را شروع کرده بود نمایندگی میکرد. در واقع حزب کمونیست خودش یک محصول عینی تاریخ مبارزه طبقاتی در یک دوره معین است.

طبقه کارگر باید صف خود را از همه بخش های بورژوازی متمایز کند، صاحب برنامه مستقل و اثباتی خود و حزب سیاسی و طبقاتی خود باشد تا سرش بی کلاه نماند. انقلاب تا اوایل ۶۰ ادامه داشت، اعتصابات کارگری وسعت میگرفت و شوراها کارگری در نقاط مختلف کشور شکل میگرفت و از طرف دیگر بورژوازی که در قالب جمهوری اسلامی، به قدرت رسیده بود ماهیت ضد کارگری خود را بسرعت نشان میداد و حقانیت مباحث مارکسیسم انقلابی بسرعت در میان بخش پیشرو طبقه کارگر جا باز میکرد. چپ خلقی دچار بحران میشد و مارکسیسم انقلابی رو به اعتلا میرفت، برنامه برخلاف تصور این چپ که وقتش نیست، تلویین شد. حزب کمونیستی که این چپ میگفت وقتش نرسیده و فعلا باید با طبقه کارگر پیوند ایجاد کرد، در ادامه شکل گیری و رشد مارکسیسم انقلابی در درون سازمان های مختلف چپ تشکیل شد. از نظر سیاسی نیز در فضای سرکوب و قتل عام کمونیست ها و بحران سیاسی ایدئولوژیک سازمان های کوچک و بزرگ چپ، شکل گیری مارکسیسم انقلابی، برنامه و تشکیل حزب اهمیت سیاسی قابل توجهی داشت که ورق را به درجه قابل ملاحظه ای برگرداند و امید و اعتماد بنفس را در جنبش کمونیستی تقویت کرد. در واقع حضور وسیع میدانی طبقه کارگر حقانیت مارکسیسم انقلابی را بسرعت اثبات کرد، به آن قدرت داد و تشکیل حزبی بزرگ و توده ای را عملی کرد. هرچند سرکوب سیستماتیک کمونیست ها و فعالین چپ کارگری اجازه نداد دامنه نفوذ و فعالیت حزب در جنبش کارگری ابعادی پر دامنه بگیرد، اما علیرغم این طبقه کارگر صاحب حزبی شد که برنامه روشنی داشت، سیاست هایی واقعا کارگری داشت و طبقه کارگر را در صحنه سیاسی در

برای اینکه وارد بحث مشخص نقش حزب کمونیست کارگری در جنبش کارگری بشوم، لازم است ابتدا متد حزب و تلقی حزب از کارگر را بررسی کنیم یعنی ابتدا در سطحی پایه ای تر به مساله پیردازم و سپس رویکردهای مشخص تر و فعالیت های سیاسی و میدانی حزب را در زمینه جنبش کارگری مرور کنیم. کل مباحث نظری سیاسی و کمپین ها و فعالیت میدانی حزب در امتداد متدی بوده است که حقانیت خود را بارها و بارها نشان داده است. بطوری که امروز نمیتوان جنبش نوین کارگری را بدون حزب و حزب را بدون جنبش نوین کارگری بررسی کرد.

اولین مصاف ما انقلاب ۵۷ و تحریک کارگر در سالهای پس از آن بود. طبقه کارگر به میدان آمده بود و باید در عرصه سیاست نمایندگی میشد. باید استقلال خود را از طبقات و جنبش های اجتماعی دیگر بوجود میاورد. باید پرچم خود را بالا میبرد تا نیروی خود را از زیر دست و پای جنبش های دیگر بیرون بکشد و جامعه را نیز حول این پرچم بسیج کند. تقابل همه جانبه ما با پوپولیسم خلقی و شکل دادن به مارکسیسم انقلابی شروع مهم و تعیین کننده ای بود. در حالیکه چپ ایران مشغول ملی نامیدن بخشی از بورژوازی و دفاع از آن بود، در حالیکه بخشی از چپ هنوز جامعه را نیمه فئودال میدانست و منتظر رشد سرمایه داری و صنایع مادر و ملی و غیر مونتاز بود، و بجای نمایندگی کارگر در صحنه سیاسی، دنبال لایه هایی از خرده بورژوازی مترقی میگشت و متناسب با نفوذش کارگر را دنبال رو جریانات ارتجاعی و ضد انقلابی میکرد، منصور حکمت به نقد عمیق و همه جانبه چپ آن دوره برخاست و اعلام کرد که ایران مدتها است جامعه ای سرمایه داری است، و هیچ بخشی از بورژوازی ملی و مترقی نیست،

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی



با آن نداریم.

خلیل کیوان: مثال بزنید.

حمید تقوایی: کالاهای مورد نیاز مردم نظیر مواد دارویی و محصولات کشاورزی نباید تحریم بشود این دو قلم را آمریکا ادعا میکند تحریم نکرده است. اما حتی اگر این ادعا صحت داشته باشد تحریمها در هر حال باعث گرانی این کالاها خواهد شد. بعلاوه کالاهای مصرفی و مورد نیاز مردم صرفا دارو و غذا نیست. همه مواد مصرفی گران خواهد شد. و از این نقطه نظر تحریمها به ضرر مردم است، به نفع جامعه نیست و جامعه را در فقر و فلاکت بیشتری فرو میبرد. ولی از سوی دیگر ما خواهان آن هستیم که حسابهای مالی مقامات و سرداران سپاه و سران مافیای اقتصادی در خارج کشور مسدود بشود. اینها دار و دسته ای هستند که از قبل غارت اموال مردم از جمله بالا کشیدن دستمزد کارگران و هزار و یک دزدی و سوء استفاده مالی پروار شده اند. در بازار قاچاق فعالند، احتکار میکنند و حتی قبل از تحریمها و در دوره رونق برجام هم این زالوها خون مردم را در شیشه کرده بودند و باعث بانی گرانی تورم و فقر در جامعه بودند. با تحریم اینها ما مخالفتی نداریم.

خلیل کیوان: شما مکرر اشاره کردید که تحریمها منجر به فقر بیشتر و فلاکت میشود. آیا همین موضع کافی نیست که تحریمها را محکوم کنید؟

حمید تقوایی: من توضیح دادم که به همین دلیل ما با تحریمها مخالفیم. ولی نفس محکومیت و یا مخالفت با تحریمها بهیچوجه کافی نیست. این حداکثر یک موضعی است که همانطور که

مشخص بررسی کرد. میتوانست اطلاعاتیه حزب کلمه محکوم میکنیم را بکار برد و یا من در مصاحبه ام نگویم محکوم میکنیم. مهم اینست که جنبه های مختلف مساله را ببینیم و تبیین و تحلیل درست و مشخصی از آن داشته باشیم. همانطور که گفتم محکوم میکنید یا نمیکنید آن اهمیت را ندارد که ارزیابی و برخورد مشخص ما به مساله.

خلیل کیوان: شما تفکیک میکنید. میگوئید لیستی از مقامات حکومتی، سران سپاه، مافیای اقتصادی مشمول تحریمها هستند. و در عین حال میگوئید تحریمها مردم را تحت فشار قرار میدهد. در شرایطی که اقتصاد کشور مافیائی است تحریم آنها بنوبه خود بر وضعیت زندگی مردم تاثیر خواهد داشت. چرا نباید محکومش کرد؟

حمید تقوایی: من این تعصب شما را روی کلمه محکومیت ندارم. توضیح دادم که از چه نظر باید با تحریمها مخالف بود و از چه نظر نباید مخالف بود. درست است که تحریم دزدها و غارتگران و سران سپاه و مافیای اقتصادی بالاخره به تشدید گرانی و سخت تر شدن شرایط معیشتی مردم منجر میشود. ولی همین دار و دسته ها خون مردم را در شیشه کرده اند. یک نیروی کمونیست نمیتواند تحریم سران سپاه پاسداران را - که میدانیم مثل یک غده سرطانی به کل اقتصاد چنگ انداخته و خودش یک عامل اصلی فقر و فلاکت در جامعه است - را محکوم کند. موضوع روشن است. موضع ما اینست که تحریم بخاطر آنکه و تا آنجا که زندگی مردم را تحت فشار قرار میدهد محکوم است اما از این لحاظ و آنجا که علیه حسابهای بانکی غارتگران ثروت جامعه و فعالیتها مافیای اقتصادی اعمال میشود مخالفتی

با آن باید در پیش گرفت. محکوم کردن یا نکردن برای ما آن جایگاهی را که شاید برای خیلی از نیروهای دیگر مطرح باشد ندارد. محکوم کردن یک امری شاید در دیپلماسی و روابط بین دولتها خیلی مهم باشد ولی برای یک حزب انقلابی اپوزیسیون آن جایگاه را ندارد.

من در مصاحبه قبلی هم در مورد برخورد اصولی به تحریمها همین توضیح را دادم که چون تحریمها زندگی مردم را تحت فشار قرار میدهد علی الاصول با آن مخالف هستیم و آنرا محکوم میکنیم. ولی مشخصا وقتی در مورد تحریمهای امروز صحبت میکنیم باید از موضعگیری عمومی فراتر رفت و مساله را بعنوان یک امر سیاسی مشخص بررسی کرد. نمیشود با تحریمها علیه جمهوری اسلامی در تمام جنبه ها مخالف بود. سران سپاه، آیت الله های میلیاردر، بیت رهبری، سران مافیای اقتصادی - یعنی اغلب موسسات و شخصیتهای حقوقی و حقیقی که در لیست تحریمها قرار دارند - خودشان باعث و بانی وضعیت فاکتباری هستند که در جامعه بیداد میکند. ما با تحریم سپاه پاسداران مخالفتی نداریم. با تحریم بیت رهبری و مافیای اقتصادی مخالفتی نداریم. بنابراین وقتی تحریمها را محکوم میکنید باید روشن کنید از چه نقطه نظر؟ ما تحریمها را از نظر فشاری که به زندگی مردم وارد میکند محکوم میکنیم ولی از نقطه نظر قطع دست و پای مافیای اقتصادی و آیت الله های میلیاردر که با دزدیها و غارت اموال مردم جامعه را به فلاکت کشیده اند هیچ مخالفتی با تحریمها نداریم. خواست خود ما اینست که حسابهای بانکی سران سپاه و آیت الله های میلیاردر و اعیان و انصارشان مسدود بشود. به این معنی مساله را باید بطور

خلیل کیوان: آیا کمونیستها علی الاصول با تحریم اقتصادی مخالفند؟ آیا در هر شرایطی باید تحریمها را محکوم کرد؟

حمید تقوایی: من فکرنمیکنم برخورد به تحریم اقتصادی یک امر پرنسیپال یا اصولی برای کمونیستها باشد. مستقل از شرایط، یعنی مستقل از اینکه چه دولتی چه دولتی را تحریم میکنند، بر سر چه مساله ای تحریم صورت میگیرد، یا چه اهدافی را دنبال میکنند نمیشود به تحریمها برخورد کرد. به این معنی تحریم یک مساله سیاسی است و بر متن شرایط مشخص باید آنرا بررسی کرد و در قبالش موضع گرفت. البته یک نکته روشن است. در هر شرایطی تحریم اقتصادی جامعه را تحت فشار قرار میدهد و باعث گرانی و تورم و کمبود و سخت تر شدن زندگی مردم میشود. از این نقطه نظر ما همیشه با تحریمها مخالفیم ولی مساله صرفا بر سر مخالف بودن و نبودن و یا محکوم کردن و محکوم نکردن نیست. مهم اینست که چه تبیینی از تحریمها دارید، چه راهی برای مقابله با آن در پیش میگیرید، مردم باید چه بکنند که تاثیر تحریمها را به حداقل برسانند و غیره. مساله وقتی در این سطح مطرح میشود دیگر این یک امر مشخص سیاسی است و باید جواب سیاسی مشخصی برای آن داشت.

خلیل کیوان: شما در مصاحبه دیگری تحریمها را محکوم کردید اما در اطلاعاتیه ای که از طرف حزب کمونیست کارگری منتشر شده تحریمها محکوم نشده است. این را چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوایی: موضع ما چه در اطلاعاتیه و چه در بحثی که من مطرح کردم یکی است. ما اعلام کرده ایم چرا با تحریمها مخالفیم و فراتر از آن علت این وضعیت را چه میدانیم و چه راهی را برای مقابله

گفتم ممکن است در دیپلماسی و روابط بین دولتها اهمیت داشته باشد ولی یک حزب انقلابی اپوزیسیون که اساس سیاستش دخالتگری و تغییر اوضاع به نفع توده مردم و علیه جمهوری اسلامی است نمیتواند با صرف "اعلام موضع" خیال خود را راحت کند. چه محکوم بکنید و چه نکنید، سؤال اساسی اینست که بعدش چه میکنید؟ الان جمهوری اسلامی و طرفدارانش تلاش میکنند جامعه را به طرف "مرگ بر آمریکا" ببرند و مبارزات مردم را به سمت پرچم آتش زدن و شعار مرگ بر آمریکا و ضدیت با شیطان بزرگ و غیره منحرف کنند. در برخورد به این مساله چه باید کرد؟ در این مورد که گرانی و فقر و فلاکت ناشی از تحریمها نیست بلکه حاصل عملکرد همین مافیای اقتصادی است که مورد تحریم قرار گرفته چه میگوئید؟ در این مورد که تحریمها میتوانند موجب گرانی بیشتر نشود چرا که حکومت آنقدر بودجه و ذخیره مالی دارد که سوسید بدهد و جلوی گرانی تورم را بگیرد چه نظری دارید؟ در مورد اینکه جمهوری اسلامی تلاش میکند به بهانه تحریمها فلاکت اقتصادی و تمام مصائب و مشکلات مردم را به گردن "شیطان بزرگ" بیاندازد چه حرفی برای مردم دارید؟ میخواستیم بگویم بحث صرفا بر سر محکوم میکنیم و یا نمیکنیم نیست. مساله اینست که با تحریم چطور مقابله میکنید. اساس مساله اینجاست. اساس اینست که چه تبیین مشخص سیاسی از تحریمها و کشمکش بین آمریکا و حکومت اسلامی دارید، چطور در مقابل تحریمها می ایستید، چه گفتگوانی بمیان جامعه میبرید، سیاست تبلیغاتیان چیست، سیاست میدانی

بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

رژیم اسلامی و خبرهای ناخوش

شهاب بهرامی

روز دوشنبه بیست و یکم آبان مطابق ۱۲ نوامبر معاون وزیر خزانه داری آمریکا خبر داد که دسترسی بانک مرکزی و برخی دیگر از بانکهای ایرانی به خدمات شبکه سوئیفت قطع شده است. وی همچنین درباره تلاش اروپا برای ارائه صندوق "ساز و کار ویژه مالی" (اس پی وی) با هدف کمک به دور زدن تحریمهای آمریکا گفت: ما در این باره نگرانی خاصی نداریم و امیدواریم بتوانیم در این زمینه با اروپائیان همکاری کنیم. یک روز بعد وزارت خارجه اتریش اعلام نمود که این کشور نمی تواند میزبانی "ساز و کار اروپائی" برای تأمین داد و ستد با ایران را بپذیرد. اتریش سومین کشور اروپائی است که از میزبانی این "صندوق" کنار کشیده و ظاهراً کشورهای دیگر نیز تمایلی در این باره ندارند. و این یعنی تبدیل شدن آخرین امید حکومت اسلامی به یاس.

پیش از این، دولتهای بلژیک و لوکزامبورگ نیز اعلام کرده بودند که بخاطر احتمال مجازاتهای اقتصادی و اشنیگن این دو کشور ریسک تقبل این میزبانی را نخواهند پذیرفت. آلمان، انگلیس و فرانسه

که بگفته منابع خبری، اتریش را برای پذیرش این صندوق تحت فشار قرار داده بودند، خود هنوز موضعی اتخاذ نکرده اند. ولی از هم اکنون روشن است که آنها نیز از ترس عواقب بعدی و زینهای سنگین اقتصادی، تمایل چندانی به این کار ندارند.

ایده و پیشنهاد ایجاد این صندوق از طرف "قدریکاموگرینی" نماینده عالیرتبه اتحادیه اروپا در ماه سپتامبر اعلام شد. هدف از این ابزار، ایجاد ساز و کاری است که مبادلات مالی میان ایران و شرکت های اروپائی را سازمان دهد. بر اساس آنچه که تا کنون مقامات اروپائی گفته اند خریداران نفت ایران پول را به این صندوق واریز می کنند سپس بهای کالاهای صادر شده توسط شرکتهای اروپائی به ایران، از محل این صندوق پرداخت می شود.

در این میان اما واکنش و سخنان سران رژیم تماشایی است، روحانی می گوید "تحریم های آمریکا بر روند اقتصادی کشور تأثیری نداشته است" و البته حقیقتی در این رندی آخوندی نهفته است. "روند اقتصادی" ایشان رانتخواری، اقتصاد مافیایی، فقر و بیکاری میلیونی و دزد سالاری است. جواد ظریف این

صفحه ۱۱

در مورد تولید امامزاده های جدید!

کاظم نیکخواه

ایران تحت حکومت اسلامی در زمینه های مختلفی واقعا رشد داشته است. برای نمونه جرائم مختلف، فقر، بیکاری، اعتیاد در زمان حکومت پهلوی بسیار وسیع بود. اما اکنون به چندین برابر رسیده است. اینها بهرحال نشاندهنده رشد است. اما یکی از رشته های رشد یابنده جالب در جمهوری اسلامی، افزایش چندین برابری تعداد امامزاده هاست. مدیر کل قبلی اوقاف یعنی حسن ربیعی سال ۹۱ اعلام کرد تعداد امامزاده ها طی حکومت اسلامی ۷ یا ۸ برابر شده است یعنی هفتصد هشتصد درصد رشد داشته است. او روز ۲۲ آبان اعلام کرد که بیش از ۸۰۰۰ بقعه و امامزاده در ایران وجود دارد. این آمار قبلا ۱۱ هزار اعلام شده بود. یاد یک طنز افتادم که اهالی یک روستای دور افتاده به جماران زنگ میزنند و میگویند یک امام جمعه برای ما بفرستید. جواب میدهند که همین اخیرا یکی را برایتان فرستادیم. جواب میدهند آنا کشتیم و ازش امامزاده درست کردیم یکی دیگر بفرستید!

واقعا معلوم نیست اینهمه امامزاده در این کشور چگونه در سالهای اخیر پیدا شده اند. در واقع اینها دکان همان امام جمعه ها و آخوندهای حکومتی برای سرکیسه کردن مردم عقب مانده در جامعه است. حکومت روحانی

همین امسال یعنی سال ۹۷ بودجه ای معادل ۴۴۰ میلیارد تومان به اوقاف اختصاص داد که بیشتر آنها قطعا در اختیار مخترعین و دست اندرکاران همین امامزاده ها و بقعه ها قرار میگیرد. صد جور در آمد دیگر هم به این مراکز خرافه و تعفن اسلامی جاری میشود.

بطور واقعی ادیان همیشه در خدمت ستمگران و مفتخوران بوده اند. اما فکر نمیکنم هیچگاه در تاریخ نقش دزدی و چپاولگری دین و مذهب بیش از نقش این دوره آن در ایران عیان و آشکار شده باشد. مردم ایران آشکارا در برابر چشم خویش دارند نقش چپاولگرانه مذهب و دین را می بینند و علیه آن اعتراض میکنند و شعار میدهند. اکنون اکثریت مردم حتی آنها که هنوز ته مانده ای از اعتقاد به اسلام هم باقی مانده است معتقدند که اسلام و آخوند و عمامه و مسجد و تکیه، یک صنعت دزدی و سرکیسه کردن مردم است.

این تنها خاصیت "مثبت" جمهوری اسلامی طی ۴۰ سال حاکمیت چپاولگرانه و جنایتکارانه اش بوده است. با سرنگونی حکومت اسلامی قطعا دوره تاریک و تلخ یکه تازی اسلام و مذهب در ایران تمام خواهد شد. و تأثیرات این تحول تاریخی و پیشرو، دنیا را یک گام اساسی در کنار زدن کل خرافه و عقب ماندگی و دین در جامعه بشری جلو خواهد برد.

در باره اعدام "سلطان سکه"! حسن صالحی

جرايم در سال ۹۱ البته دستگیر ولی نهایتا تبرئه شد. اما اینبار ظاهرا پشتش خالی بود و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بود چند نفری را برای بی تقصیر جلو داده نقش خود در ایجاد اوضاع فلاکتبار اقتصادی قربانی کند.

بسیاری می دانند که مشکل اقتصاد داغان و ورشکسته جمهوری اسلامی نه "مفسدان اقتصادی"، آنطور که در مورد مظلومین و قاسمی اعلام شده، بلکه خود نظامی است که اصولا بر پایه دزدی، اختلاس و ارتشاء و بازار قاچاق و بازار سیاه و کلا فساد بنا شده است. نظامی که در یک طرف یک اقلیت مفتخور مالتی میلیاردر را بوجود آورده است و از سوی دیگر کارگران و توده مردم را بزیر خط فقر رانده است. امثال مظلومین ها و بابک زنجانی ها در این نظام براحتی می توانند ثروتهای نجومی باد آورده به جیب بزنند و هیچ نوع محدودیت قانونی هم ندارند. یک ویژگی نظام اقتصادی حاکم بر ایران

و حید مظلومین زمانی که معتمد بانک مرکزی بود و دلارهای بانک مرکزی را در بازار به فروش می رساند از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به دلیل همین

و حید مظلومین ملقب به "سلطان سکه" بهمراه محمد اسماعیل قاسمی بجرم "مفساد اقتصادی" صبح چهارشنبه، ۲۳ آبان (۱۴ نوامبر) اعدام شدند. طبیعا برای انسانهایی که مخالف اعدام هستند اعدام هر کسی و به هر دلیلی يك عمل ضد انسانی است که باید بلون هیچ شك و تردیدی محکوم شود.

اما اعدام مظلومین و قاسمی مثل هر اعدام دیگری نبود. بلکه ویژگی هایی دارد که باید به آن پرداخت. اتهام این دو "افساد فی الارض از طریق تشکیل شبکه فساد اخلاخ در نظام اقتصادی و ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیرقانونی و غیرمجاز و قاچاق عمده و کلان ارز و سکه" اعلام شده است.

و حید مظلومین زمانی که معتمد بانک مرکزی بود و دلارهای بانک مرکزی را در بازار به فروش می رساند از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به دلیل همین

"سفیر وجدان"

و کاپیتالیسم بی وجدان

کیوان جاوید

قابل رویت نبود؟ آیا انتخاب چنین فرد یا افرادی برای این نهاد ها يك اشتباه یا يك نیاز ضرورت و نیاز سیاسی است؟

واقعبیت این است که آن سانگ سوچی یا هر زمامدار موجود در سیستم حاکم که در راس قدرت دولتی قرار می گیرند اگر زورشان برسد باید بزنند، بکشند، به بند بکشند تا دوام بیاورند. این قانون جنگل سرمایه داری حاکم بر این سیستم است. قوانین نوشته و نانوشته شده ای که حکم می کنند فرشته ها به شیاطین خونریز تبدیل شوند یا در واقع شیاطین خونریز را بعنوان فرشته به مردم معرفی کنند. مردم و جامعه انسانی بی نبرد تسلیم فقر و فلاکت و عقب گردهای ارتجاعی نمی شوند. برای تحمیل تباهی به جامعه مشت آهنین لازم است. پینوشه ها، محمد

در خبرها آمده است سازمان عفو بین الملل جایزه اعطایی خود به عنوان "سفیر وجدان" را از آنگ سان سوچی که عملا رهبری کشور میانمار را برعهده دارد، پس می گیرد. پیش از این پارلمان کانادا نیز شهروندی افتخاری سوچی را لغو کرد. آنگ سان سوچی جایزه نوبل صلح را نیز دریافت کرده است. رسانه ها، دولت ها و سازمان های دولتی پیش از این از او همچون يك قدیس سیاسی یاد کرده اند. کسی که قرار بود میانمار را از دیکتاتوری به سوی دموکراسی هدایت کند. آیا این انتخاب يك اشتباه سیاسی دولت ها، سازمان ملل و عفو بین الملل و خیل رسانه ها و شخصیت های سیاسی وابسته به حکومت ها بود؟ آیا پشت چهره این فرشته مهربان هیولایی خونریز پنهان شده بود که به سادگی

صفحه ۱۱

کارگران در هفته ای که گذشت



روز های ۲۲ و ۲۳ آبان معلمان در سطحی سراسری و در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، دست از کار کشیدند و در دفاتر مدارس به تحصن نشستند و دامنه این اعتصاب به حدود ۷۵ شهر رسید. فراخوان این اعتراض علیه گرانی و تورم و با خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان توانست اعتراض معلمان را بیش از پیش به اعتراضات کل جامعه پیوند دهد و ابعادی اجتماعی پیدا کند. در همین راستا فراخوان شورای هماهنگی خطاب به خانواده ها و دانش آموزان با خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان بود و توانست پاسخ بگیرد.

یک وجه مهم دیگر این اعتصاب سازمانیافتگی آن بود که بار دیگر الگویی از یک اعتصاب سراسری را در مقابل کل جامعه قرار داد و تجارب درخشانی از خود به جا گذاشت. برای مثال بدنبال فراخوان شورای هماهنگی به این دو روز اعتصاب خطاری، کانون های صنفی معلمان از شهرهای مختلف به آن پیوستند. در این فاصله گروههای تلگرامی معلمان به مکانی برای تصمیم گیری بر سر خواستها و پیشبرد قدرتمند این اعتصاب تبدیل شدند. در بستر این گفتمان سازی ها معلمان خواستههایشان را بصورت پوسترهایی زیبایی نوشتند و به کمک مدیای اجتماعی به درون جامعه بردند. همچنین در جاهایی معلمان دانش آموزان خود را جمع کردند و کوشیدند که علت اعتراضشان را به آنان توضیح دهند و با تاکید بر حق داشتن یک آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان، دانش آموزان و خانواده هایشان را همراه خود کنند. بعد از اعتصاب نیز به یمن وجود مدیای اجتماعی گزارشات تصویری حرکت

کوبنده شان، فضای شهر را به تحرك در آورده است. اعتراض این کارگران به از کار افتادن بخش هایی از خطوط تولیدی و خطر بیکار شدن آنها از کار، تعویق پرداخت دستمزدها و به کل بساط دزدسالاری در کارخانه است. اعتراضات کارگران گروه ملی همگام با نیشکر هفت تپه، میشود گفت که فضای کل جنبش کارگری را متفاوت کرده است. بدنبال تجمع روز ۲۲ آبانماه کارگران هفت تپه و سردادن شعار "ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد"، کارگران گروه ملی با شعار "فولاد، هفت تپه، اتحاد"، پیام همبستگی آنان را پاسخ دادند. این شعار بطور واقعی پیامی به کل کارگران بود و چهره جدیدی به مبارزات این کارگران داد. یک اتفاق دیگر در مبارزات چند روزه کارگران گروه ملی فولاد اهواز تجمع آنان در مقابل دادگستری در چهارمین روز اعتراضشان و سر دادن شعار "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد" بود. در شرایطی که حکومت اسلامی تلاش میکند به سرکوبگری هایش شدت دهد تا بلکه ذره ای از تلاطم جامعه بکاهد، کارگر گروه ملی در مقابل دادگستری این حکومت تجمع میکند و چنین شعاری را میدهد. جالب اینجاست که عین این شعار را کارگران در هفت تپه نیز سر دادند. با این شعارها کارگران بطور واقعی دارند کل دستگاه قضایی و بساط سرکوب و جنایت حکومت را به چالش میکشند. با این شعار کارگران گروه ملی عزم راسخ خود را برای پیگیری خواستههای و مطالباتشان اعلام داشتند. اعتراض کارگران گروه ملی و شعارهای کوبنده آنها نمایشی از فضای کل جامعه است. این حرکت اعتراضی به دستگاه قضایی و کل بساط سرکوب و جنایت حکومت است. این حرکت در عین حال اعلام عزم راسخ کارگران برای پیگیری مبارزاتشان است.

دو روز اعتصاب قدرتمند معلمان برای خواستههایشان

تبدیل شده است. حضور فعال خانواده های کارگران در اعتصاب نیشکر هفت تپه به این لحاظ نیز گام دیگر جنبش کارگری را به جلو برد و به کل کارگران راه نشان داد. و اتفاق دیگر در روز ۲۴ آبان روی داد. در این روز کارگران صف راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه به پا شعارهایی چون "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، کل بساط چپاول و سرکوب سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. در این روز صف راهپیمایی کارگران هفت تپه به بازار رسید و شعار "مردم شوش، حمایت، حمایت"، در شهر طنین انداخت و جلوه دیگری به این شهر داد. یک شعار دیگر کارگران هفت تپه شعار "فولادی با غیرت، تشکر، تشکر" بود که در پاسخ به پیام همبستگی کارگران گروه فولاد اهواز سر داده شد و صحنه جالبی از اتحاد طبقاتی کارگران را به نمایش گذاشت. آخرین و مهمترین اتفاق در نیشکر هفت تپه، گذاشتن سنگ بنای شوراهای مستقل کارگری است. در اعتراضات نمایندگان منتخب شورای مستقل کارگران، به میان کارگران می آیند، گزارش میدهد و با اعلام اینکه تصمیم گیرنده نهایی خود کارگران هستند، مکان واقعی شوراهای کارگری به عنوان ابزار اعمال اراده کارگری را به نمایش می گذارند. اکنون اعتراضات ۶ هزار کارگر نیشکر هفت تپه با اتکاء به چنین قدرت و نیرویی به جلو میرود و پیشاپیش جنبش کارگری به حرکت در آمده است. زنده باد شوراهای سراسری کارگری.

نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد

دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز از نوزدهم آبانماه آغاز شده است. تجمع اعتراضی هر روزه آنان و مارش آنها در خیابانهای شهر و شعارهای

از سوی کارگران نیشکر هفت تپه، فراخوانی به کل کارگران و کل جامعه است. این اتفاق در این هفته اعتراضات کارگران در نیشکر هفت تپه را به یک اتفاق سیاسی مهم در کل جامعه تبدیل کرد و بطور واقعی در مقابل جنبش کارگری و کل جامعه راه نشان داد.

اتفاق مهم دیگر در اعتراضات این کارگران در روز ۲۳ آبان روی داد. در این روز کارگران نیشکر هفت تپه در صف چند هزار نفره و با فریاد "مرگ بر ستمگر، زنده باد کارگر" راهپیمایی کردند و برای دومین روز مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. حضور پر رنگ خانواده ها در این تجمع و سخنرانی همسر یکی از کارگران در میان کف زدن کارگران از لحظات شورانگیز اعتراضات کارگران هفت تپه و میتوانم بگویم فراموش نشدنی در جنبش کارگری بود. او در صف رهبران کارگران ایستاد و با صلابت سخن گفت. او از اینکه چگونه توانستند در سال گذشته با مبارزاتشان سه ماه مزد پرداخت نشده شان را نقد کنند و افشار که یکی از سرکردگان دزدیهای پشت پرده در هفت تپه است را بیرون کنند، سخن گفت و در میان کف زدن متمد کارگران با تاکید بر اینکه باید کارخانه از بخش خصوصی پس گرفته شود و به خواستههایشان پاسخ داده شود، از همه تشکرهای کارگری و کارگرانی که مثل این کارگران سفره شان خالی است خواست که به اعتصابات پیوندند. صحبت های او در این جمع حقیقتاً جلوه باشکوهی از نقش خانواده ها در اعتراضات کارگری را به نمایش گذاشت. این اتفاق در هفته گذشته بیش از پیش بر نقش خانواده ها در اعتراضات کارگری که خود مستقیماً در مسایل و مشکلات کارگران سهیمند، تاکید گذاشت. بویژه در شرایطی که محیط های کارگری از اعتراض میجوشت و جامعه چنین در تلاطم است و شرکت خانواده های کارگری در اعتراضات فاکتور مهمی در قدرتیابی این مبارزات است، بیش از پیش به یک ضرورت

هفته گذشته، هفته اعتراضات هزاران کارگر در نیشکر هفت تپه، گروه ملی و در معادن ذغال سنگ کرمان و در مراکز مختلف کارگری بود. هفته گذشته هفته دو روز اعتصاب قدرتمند معلمان با پرچم تحصیل رایگان برای همه کودکان و برای خواستههایشان بود. هفته گذشته، هفته ادامه اعتراضات گسترده رانندگان کامیون با خواست آزادی ۲۶۲ راننده اعتصابی به عنوان اولین خواستشان بود. هفته گذشته در کنار وضعیت پرتلاطم جامعه، هفته ای بود که شتاب حرکت اوضاع را نه فقط بسوی اعتصابات سراسری بلکه بسوی تحولی بنیادی تر در کل جامعه برای رهایی شدن از کل جهنم اسلامی را جلوی چشم همگان گذاشت. نگاهی به اتفاقات مهم اعتراضات کارگری در هفته گذشته داشته باشیم.

ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد

۶ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از چهاردهم آبانماه بخاطر خلف وعده های مدیریت، تعویق پرداخت سه ماه مزد و دزدی های پشت پرده در کارخانه که عملاً تولید را به رکود کشانده و امنیت شغلی کارگران را به خطر انداخته است، در اعتراضات. روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ آبان این اعتراضات به بیرون از کارخانه کشیده شد و نقطه اوجی در مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بود. از جمله یک اتفاق مهم در تجمع اعتراضی آنان در مقابل فرمانداری، در روز ۲۲ آبانماه، سردادن شعارهای "ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد"، "ملی، هفت تپه، کارگران متحد" بود. این شعارها ربط واقعی اعتراض کارگران هفت تپه را به اعتراض کارگران در گروه ملی و دیگر بخش های کارگران و کل جامعه بیان میکرد. بویژه در شرایطی که زنجیره ای از اعتصابات در میان بخش های مختلف کارگری و مردم در جامعه به راه افتاده و جامعه بسرعت بسوی اعتصاب سراسری خیز برداشته است، سردادن این شعارها

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران در چهار دهه گذشته

بخش سوم و پایانی متن پیاده شده برنامه خیابان، میزگرد با شهلا دانشفر، مینا احدی، مصطفی صابر و شیرین شمس تهیه و تنظیم: کیان آذر، شیرین شمس



سیمون دیوار «هیچ کس زن به دنیا نمی آید بلکه زن می شود» الان در کشورهای مختلف اروپایی شاهد این هستیم، که حقوق ترانس ها، همجنسگراها و .. همه زیر پا گذاشته میشوند ما برای دنیایی مبارزه میکنیم که این تفاوتها منجر به تحقیر و ستم بر کسی بشود، بلکه همه در کمال آزادی و حرمت در یک جامعه انسانی زندگی کنند. پس خلاصه کنم ما از برابری کامل بین زن و مرد و یک زندگی انسانی برای همه دفاع میکنیم.

سوال: اما ضمانت اجرایی این حرفهایی که شما مطرح میکنید در کجاست؟

مینا احدی: ضمانت اجرایی اول، لغو مالکیت خصوصی و مقابله با تسلط سرمایه بر زندگی و حیات انسانها است. در عین حال و همزمان با همین در وهله اول باید قوانین عقب مانده و ارتجاعی را ملغی و قوانین مبتنی بر حقوق برابر را در همه زمینه ها اعلام کرد. در عین حال بنظر من فرهنگ سازی و آگاهگری و برگزاری سمینار و کنفرانس و نقد مذهب و اسلام با اتکا به آزادی مطلق بیان طبعاً در آن جامعه یک فاکتور مهم است. توجه کنید ما در مورد جوامعی حرف میزنیم که در آن مرد سالاری و فرهنگ شوینیستی و اسلامی قرنها حضور و یا تسلط داشته اند، برای مقابله با روند خودبخودی تسلط فرهنگ مردسالار تشکلهای مدافع حقوق زنان و متشکل بودن

ایران است. مشخصاً زنان در حکومت و جامعه مورد نظر شما که میخواهید سازمان بدهید چه وضعیتی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهند داشت؟ ضمانت اجرایی آن را چه چیزی اعلام میکنید؟

مینا احدی: در اینجا در حقیقت باید در مورد فلسفه فعالیتهای خودمان در ۴۰ سال اخیر حرف بزنم و کنه مسئله را بیان کنم. ما خواهان سیستمی هستیم که زن و با مرد در آن سیستم مجبور نباشند، نیروی خودشان را بفروشند برای اینکه زندگی بخور و نمیری داشته باشند، و کل سیستم در این جهت حرکت کند که سرمایه سود آوری بیشتری داشته باشد و انسانیت و حقوق انسانی و حقوق زنان کاملاً زیر سوال باشد. بنابراین ما وقتی در مورد آینده ایران حرف میزنیم منظورمان نفی و لغو نظام کاپیتالیستی و سیستم سرمایه داری است، ما خواهان لغو استثمار هستیم و وقتی این اتفاق بیفتد و کل این پدیده جواب بگیرد، در حقیقت ما از یک دنیای انسانی و از یک زندگی انسانی حرف میزنیم، که زن و مرد در آن راحت باشند، آزادی برابری حقوق انسانی خودشان را داشته باشند، تا آنجا که به حقوق زنان برمیگردد، زنان از حقوق و برابری کامل برخوردار خواهند شد و تمام قوانین اسلامی فوراً ملغی خواهد شد، ما از جامعه ای حرف میزنیم که در آن جنسیت به نوعی بی رنگ بشود، و مهم نباشد که افراد چه جنسیتی دارند. بقول

و بالاخره فاکتور مهمتر عروج و گفتمان های آزادیخواهانه و برابری طلبانه در راس جنبش های اجتماعی و گفتمانها رادیکال جاری در جامعه است. در برابر این گفتمان ها جنبشی که همواره دم از این میزده که حجاب با حقوق زن تناقضی ندارد، پاسخی ندارد. این جریانات امتحان خود را پس داده اند. مردم نیز عملاً از آنها عبور کرده اند. این را در شعارهای اعتراضی هر روز مردم به روشنی می بینیم.

خلاصه اینکه نفس اینکه گفتمان انقلاب به جلو آمده است، جشن ماست. جشن ما کمونیست هاست. شکاف و بن بست که در صفوف جریانات راست و از جمله جریانات ملی اسلامی وجود دارد، موقعیت چپ و رادیکالیسم در راس جنبش های اجتماعی، پیشروی های جنبش نوین زنان و رشد بالنده آن و نقشی که حزب ما به عنوان یکی از فاکتورهای مهم در کشیده شدن اوضاع به وضع کنونی داشته است، شانس به سازمانها و جریانات ملی اسلامی برای جلب انتخاب زنان به سمت خود را نمیدهد. به شرط اینکه با همین اعتماد به نفس قدرت خود را در سیر تحولات جامعه بینیم و اعلام کنیم که پاسخ به اوضاع انقلابی و مشخصاً به جنبش رهایی زن چپ است و ما هستیم. و فراخوان ما به همه جامعه و همه فعالین عرصه مبارزه برای رهایی زن و رهبران این جنبش همانطور که مصطفی صابر هم تاکید کرد، اینست که بیابند در حزب خودشان سازمان پیدا کنند.

سوال دهم: جمهوری سوسیالیستی و حکومت انسانی و برپایی قوانین و فرهنگ و جامعه ای انسانی از جمله تبلیغات و آلترناتیو شما برای آینده

میگفتند مذهب با حقوق زن تناقض ندارد. بعد هم زیر فشار چپ و جنبش اعتراضی علیه حجاب، نهایتاً به این رضایت دادند که حجاب برای اقلیت های مذهبی نباید اجبار باشد. و یا جریانی مثل مجاهدین در یک دوره از حکومت "دموکراتیک اسلامی" حرف میزد و الان زیر فشار جامعه مجبور شده از جدایی مذهب صحبت کند و رهبرشان با روسری در همه جا ظاهر میشود. اینها همه نشانه بن بست این جریانات است. هیچکدام از این جریانات جایی در میان مردم ندارند. بنابراین چپی که منشاء چنین فشارهایی برگرده راست است، قاعدتا بیشترین زمینه را برای جذب جامعه دارد. به خاطر همین است که نفوذ گفتمان هایش را در روند رو به رشد جنبش های اعتراضی مردم شاهدیم.

نمونه ای از تقلاهای همین جریانات ملی اسلامی، انتشار پلاتفرم فراندوم از سوی تعدادی از آنان بود. پلاتفرم را دادند تا به زعم خود جلوی انقلاب را بگیرند. ولی چه شد، کسی هم حرفی از آن نمیزند و فوراً از اذهان دور شد. اینها انواع و اقسام طرحهایی حکومت های موزاییکی از نوع بلایی که سر عراق آمد را در سر میپورراندند. اما مردم تجربه شکست چنین طرحهایی را در کشور همسایه عراق دیده اند، بنابراین چنین طرحهایی نمیتواند مورد استقبال مردم واقع شود.

بعلاوه یک فاکتور مهم در این میان شکاف و بن بست سیاسی ایست که در این جریانات می بینید. کنفرانسی که در همین روزهای اخیر بر سر ائتلاف راست در آمریکا به پا شد را دیدید. به محض اینکه یکی از آنها آمد از حقوق اقوام صحبت کرد دیدید چگونه باقی شان سالن را ترک کردند.

سوال نهم: دوره حاضر رو به آینده را دوره سرنگونی جمهوری اسلامی و شرایط ویژه ای در تاریخ سیاسی ایران تلقی می شود. در جنبش ملی اسلامی سازمانها و افراد و جریاناتی که به کمپ سرنگونی طلبانه میپیوندند تبلیغات زیادی صورت میگیرد برای اینکه آلترناتیوی باشند برای دوره بعد از جمهوری اسلامی و شعار برابری بین زن و مرد را در تبلیغاتشان مطرح میکنند، بنظر شما چقدر این فرصت وجود دارد برای چنین سازمانها و جریاناتی که بتوانند انتخاب زنان ایران را به سمت خود جلب کنند؟ چرا این امکان وجود ندارد و یا ضعیف هست؟

شهلا دانشفر: این تلاش ها میشود چون بوی انقلاب را شنیده اند. این تلاش ها میشود برای اینکه عروج چپ و گفتمان های رادیکال را در راس این جنبش شاهد هستند. این تلاشها را میکنند برای اینکه اوضاع را در چهارچوب سیستم موجود نگاهدارند. از جمله بخاطر تصویری که از جنبش رهایی زن در همین بحث دادیم و حقیقتاً بخاطر هراس از این پیشروی هاست که چنین تحرکاتی را شاهد هستیم. اما مردم در همان دیمه با شعار اصلاحگرا، اصولگرا، تمام شد ماجرا جواب جریاناتی نظیر ملی اسلامی را دادند. ضمن اینکه مردم بدون شك از هر جریانی که کوچکترین عکسسی با حکومت اسلامی گرفته باشد، عبور میکنند. بنابراین من حقیقتاً جای زیادی برای چنین جریاناتی که اشاره کردید قائل نیستم.

بعلاوه اینها در هیچ کجا حرفی از برابری کامل زن و مرد نزده اند. اینها حرفی از لغو قوانین اسلامی ضد زن نزده اند. بلکه بعکس اینها همان جریاناتی هستند که تا دیروز

سیر تحولات جنبش زنان ...

از صفحه ۶

زنان هم مهم است. تشکل، آگاهگری، قوانین و مهمتر از همه تغییر نظام کاپیالیستی و لغو استثمار کمک خواهد کرد واقعا جامعه وارد دوران بشریت و انسانیت خود شود و زن و مرد و کلا همه انسانها بتوانند در آن جامعه راحت زندگی کنند.

سوال یازدهم: در همین دوره پیش رو بخشی از جریانات و فعالیتهای خود را سرنگونی طلب میدون و بر پایه ناسیونالیسم، سکولاریسم، حقوق بشر و دمکراسی وعده برابری در قوانین، آموزش و پرورش و دستگاه قضائی و همینطور در عرصه فرهنگی میدهند و تا به اینجا هم بخشا در جنبش زنان فعالیت زیادی داشته اند و کمپینهای متفاوتی را بخشا در این جنبش پیش برده اند، شما فکر میکنید که این جریانات و جنبش مشخص که تبلیغ آلترناتیوی لیبرال مبتنی بر سازماندهی بازار آزاد و مبتنی بر ناسیونالیسم، سکولاریسم، حقوق بشر و دمکراسی میتوانند جوابگوی خواسته ها و رادیکالیسم موجود در جامعه مشخصا در جنبش زنان باشند؟

مصطفی صابر: من فکر میکنم این جریانات مشکلات زیادی دارند که مورد انتخاب مردم واقع شوند. چون چهارچوبه بحث ما جنبش زنان هست من میگویم مشکلاتشان را در همین چهارچوبه بگویم. اولین مشکل شان این است که یک ذره تحمل یک تشکل واقعی مردم، حالا کارگران، معلمان یا زنان باشد را نخواهند داشت. هرگونه تشکل واقعی توده های وسیع مردم برای آنها مشکلزاست. چرا؟ چون اگر آنها میخواهند به منطبق سرمایه داری جواب دهند، که همین رامیخواهند و قرار است یک سرمایه داری غیراسلامی در ایران سر کار بیایند. خوب هر سرمایه داری در ایران به ناگزیر باید اختناق و سرکوب برقرار کند. چون باید نیروی کار ارزان را تامین کند و سندیکا و شورا و تشکل مردم را بکوبد و از کار بیندازد. در نتیجه اولین جوابش به

جنبش زنان هم این خواهد بود که برابری و آزادی بیان و اینها را نخواهد...

سوال: ببخشید توی صحبت شما میباید اینها میگویند ما بیانیتهای حقوق بشر را قانون اساسی دولتمان قرار میدهم، سکولاریسم را قبول داریم، برابری زن و مرد را قبول داریم، زنان حق دارند پوشش خودشان را داشته باشند و اینچنین دارند برنامه شان را اعلام میکنند...

مصطفی صابر: بله میدانم که اینها را میگویند. اما همان بیانیتهای حقوق بشر فرسنگها از خواسته ها و مطالبات مردم و بخصوص جنبش زنان عقب است. مثلا در آن بیانیتهای صحتی از جدایی مذهب از دولت نیست. الغاء همه قوانین مذهبی را نمیگوید. لغو مجازات اعدام را نمیگوید. آزادی بی قید و شرط بیان که از سال ۵۷ در تظاهرات زنان مطرح شد را نمیگوید. اما نکته اصلی بحث من این است که این جریانات مورد بحث ما حتی همان آزادی های نمیند و دست و پا شکسته ای که در بیانیتهای حقوق بشر مطرح شده را هم تحمل نخواهند کرد. الان فقط وعده اش را میدهند. اما خودشان واقعا به

آن آزادی احتیاج ندارند. برعکس، خلافت را لازم دارند یعنی استبداد و سرکوب. به دیکتاتوری و مشت آهنین احتیاج دارند که سرمایه داری را در ایران بازسازی کنند. هر جریان سیاسی که بخواهد سرمایه داری را حفظ کند و اعتلا و گسترش بدهد، ناگزیر جلوی همه جنبش های اجتماعی که خواهان آزادی هستند از جمله جنبش زنان خواهد ایستاد. نه فقط باید جلوی جنبش کارگر و معلم و سایر اقشار طبقه کارگر را بگیرد بلکه باید جلوی جنبش های زن و خلاصی فرهنگی جوانان و غیره هم بایستد. با توجه به رادیکالیسمی که جنبش های زن در این چهل سال گذشته نمایندگی کرده است بنظر من هیچ جریان یا سیستم و نظام بورژوازی در کشوری مثل ایران قادر نیست که به خواسته های این جنبش پاسخ دهد. چون باید کار ارزان و کارگر خاموش را برقرار کند

و برای این کار به دیکتاتوری و سرکوب نیاز دارد. باید بیسیم چرا خمینی و جنبش اسلامی به زنان حمله کرد؟ خوب دقیقا برای مختنق و مرعوب کردن یک جامعه انقلاب کرده و به جهت متحقق کردن همان کار ارزان و کارگر خاموش بود. به زنان حمله کرد تا بتواند به شوراها کارگری حمله کند. به کردستان حمله کند. و اختناق و سرکوب برقرار کند. الان هم بنظر هر رژیم بورژوازی که در ایران بیاید سر کار در برابر آزادیخواهی و برابری طلبی افراطی که بویژه در جنبش زنان ریشه دوانده و این زنان در خط اول مبارزه مردم ایران قرار دارند، مشکل بسیار جدی خواهد داشت. مبارزه زنان در ایران صرفا مبارزه ای برای برابری حقوقی زن و مرد نیست. برای زیر و رو کردن کل اوضاع است.

سوال دوازدهم: انقلاب زنان برای دوره آتی مثلا دو سال آینده چه برنامه ریزی سیاسی و پراتیکی و سازماندهی اجتماعی برای جنبش زنان دارد؟ استراتژی شما برای دوره پیش رو چیست؟ به این معنا که فراخوان و برنامه ریزی شما برای جنبش زنان بر بستر جنبش سرنگونی چیست؟

شیرین شمس: ما یک برنامه مشخص با دو هدف تعیین شده داریم. با توجه به اوضاع سیاسی حال حاضر و پیش بینی موج دوم اعتراضات سراسری و هم اینکه خود مقامات و تنوریسین های جمهوری اسلامی هم بر این اعتراف میکنند که موج دوم اعتراضات سراسری برای سرنگونی حکومت فراخواهد رسید و اینبار اتفاقا وسیعتر، ما در انقلاب زنان برای سازماندهی اجتماعی و رهبری بخش پیشرو جامعه تلاش میکنیم تا بتوانیم در موج اعتراضات سراسری جاری و آینده تاثیر گذاری داشته باشیم. هدف مهم ما در حال حاضر سرنگونی جمهوری اسلامی است و با فعالیت هایمان درصدد تسریع بخشی به این مساله مهم، و هموارتر کردن مسیر سرنگونی این حکومت است چرا که بر این باوریم تا جمهوری اسلامی را سرنگون نکنیم به رهایی زن دست پیدا نخواهیم کرد. ما روی جدال بین زنان و جمهوری اسلامی

دست گذاشتیم و میخواهیم در این جدال جمهوری اسلامی را به شکست نهایی برسانیم.

سبک فعالیت انقلاب زنان، فعالیت متشکل است. از لحاظ سبک سازماندهی، فراخوان ما به زنان پیشرو و جامعه و تلاش ما برای ایجاد جمع های مبارزاتی در محله ها، شهرها، دانشگاه ها و محیط کار است که در این جمع ها افراد در نهایت به تحزب روی میآورند. به نظر من دوره "من انفرادی فعالیت میکنم"، "من فعال مستقل هستم" دیگر گذشته است و اتفاقا جامعه به این آگاهی رسیده که باید متشکل و سازماندهی شده مبارزه کند، لذا باید هر چه وسیعتر پا به عرصه فعالیت متشکل و متحزب گذاشته شود، باید به یک حزب سیاسی انقلابی، رادیکال و سرنگونی طلب وصل شود، حزبی که پلتفرم مشخص داشته باشد و در آن آزادی و رهایی زن، برابری بی قید و شرط زن و مرد و قوانین سکولار تضمین شده باشد. جمعهایی که اشاره کردم باید روی این پلتفرم بصورت هماهنگ و سراسری متشکل شده و فعالیت های خود را سازمان بدهند.

در همین مسیری که برای سرنگونی جمهوری اسلامی طی میکنیم، در واقع بستر حکومت آینده و قوانین آینده بعد از جمهوری اسلامی که متضمن رهایی زن باشد را هم ایجاد میکنیم. این امر مهم است چرا که الان که مساله جامعه ایران بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی است، بحث آلترناتیو هم به یک گفتمان اساسی در جامعه تبدیل شده است. راست ها از جمله جنبش ناسیونالیسم پروغرب و جنبش ملی اسلامی در صدد آلترناتیو سازی هستند در صورتیکه هیچ پلتفرم و برنامه ای برای رهایی زن و موقعیت زن در جامعه ندارند. رضا پهلوی به عنوان یک چهره از جنبش راست و ناسیونالیسم پروغرب در برنامه ای تلویزیونی در یک رسانه بزرگ در پاسخ به این سوال که نظر شما درباره زنان چیست اظهار میدارد که زنان مهم هستند چون تربیت کنندگان نسل های آینده اند. اینجا لازم است جامعه تعمق کند که اینجا چه دیدگاه و افق ارتجاعی برای زنان در نظر گرفته اند. جنبش ملی اسلامی که

دیگر جای بحث ندارد.

دختران خیابان انقلاب روی سکولای انقلاب، حجاب بر سر خوب نکردند که یک حکومت دیگری بیاید و "نقش وابسته جنسیتی" را این بار با لباسی دیگر به زنان نسبت دهد. اینجا بینندگان گرامی را ارجاع میدهم به کنفرانس بین المللی دختران خیابان انقلاب که توسط انقلاب زنان در آوریل ۲۰۱۸ در شهر استکهلم سوئد برگزار شد. به سخنرانی های چند تن از دختران خیابان انقلاب که در این کنفرانس شرکت کرده بودند اگر توجه کنیم می بینیم که چطور به موقعیت فرو دست زن و اختلاف طبقاتی در جامعه و ستمکشی مضاعف زنان در نظام طبقاتی نقد میکنند و می گویند چرا باید عده معدود و اقلیتی در بهترین شرایط رفاهی زندگی کنند و عده کثیری در فقر بسر ببرند و یکی از ابزارهای سرکوب جامعه بشود حجاب اجباری و موقعیت نازل زن نزد قانون. این دختران خیابان انقلاب، این زنان شجاع، این جنبش نوین رهایی زن است که انقلاب زنان در ایران را پیش می برد، لذا انقلاب زنان نمی خواهد نمی خواهد قدرت سیاسی در بالای جامعه از جمهوری اسلامی دست به دست شده و به مرتجعین دیگری برسد که در جنبش فکری و سیاسی آنها زن به عنوان یک انسان مستقل برسمیت شناخته نمی شود.

لذا اولویت ما سرنگونی جمهوری اسلامی و برنامه ما سازماندهی اجتماعی برای تسریع پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و همچنین ایجاد مکانیزم هایی برای دخالت مستقیم جامعه در سرنوشت خود است، جامعه ای که نیمی از آن را زنان تشکیل میدهند، زنانی که هزینه های سنگینی برای رهایی داده اند. اینجا فراخوان من به همه زنان پیشرو و مبارز، انسانهای آزادیخواه، مدافع برابری و سکولار و فعالین چپ اجتماعی، فعالیت و مبارزه جمعی و متشکل در قالب تحزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و در پی آن برپایی حکومتی انسان محور است که رهایی زن در آن تضمین شده باشد.

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون

از صفحه ۳

و مبارزاتی تان چیست، فراخوانتان چیست؟ و غیره و غیره. در برابر آنها که به ترامپ دخیل بسته اند و فکر میکنند با تحریمها جمهوری اسلامی ساقط میشود و اینها به کمک آمریکا بقدرت میرسند، و از سوی دیگر نیروهایی که دوباره رگ ضد آمریکا تیرگیشان ورم کرده و عملا به دفاع از جمهوری اسلامی، این بار بعنوان قربانی تحریم ها، برخاسته اند چه جوابی دارید؟ اینها مسائل واقعی و سیاسی و تعیین کننده در برخورد به تحریمها است و در قبال آنها باید سیاست و عملکرد درست و انقلابی و روشنی داشت.

خلیل کیوان: متوجه شدم. شما میگوئید مساله به این سادگی نیست که محکوم میکنیم و یا نمیکیم.

حمید تقوایی: دقیقا. میتوانید محکوم کنید و سیاست پاسیوی داشته باشید و میتوانید محکوم نکنید و سیاست فعالی در مقابله با تحریمها داشته باشید.

خلیل کیوان: بله این يك موضوع چند وجهی است که باید همه جانبه بررسی کرد و موضع فعالی در قبال آن داشت. نکته ای که لازم است اینجا اشاره کنم اینست که خیلی ها معتقد هستند که هر چه فشار بیشتری مردم اعمال شود مبارزه مردم بیشتر گسترش پیدا میکند. عده ای هم، برعکس، معتقدند در اثر تحریمها مردم زمینگیر میشوند و اعتراض و مبارزه شان تضعیف میشود. نظر شما چیست؟ حمید تقوایی: اجازه بدهید ابتدا در مورد این دسته دوم نظر بدهم. من با این نظریه که اگر فشارهای بیشتر بشود مردم زمینگیر میشوند توافق ندارم. بخصوص در شرایط امروز جامعه که اعتصاب و اعتراض از هر گوشه ای سر برآورده است.

باعث و بانی تورم و گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی که در جامعه بیداد میکند تحریمها نیست. همانطور که اشاره کردم در

دوره برو بروی برجام و زمانی که هیچ حرفی هم از لغو برجام و غیره در کار نبود چنان شریط معیشتی مردم سخت و غیرقابل تحمل بود که در دیماه سال گذشته يك جنبش عظیم و سراسری اساسا علیه گرانی و فقر و فلاکت در جامعه سر بلند کرد و تا امروز در ابعاد مختلف ادامه یافته است. قبل از تحریمها هم گرانی و بیکاری و بی تامینی اقتصادی و فقر و فلاکت در جامعه وجود داشت و اگر قرار بود این عوامل مردم را زمینگیر کند خیزش دیماه و جنبش گسترده جاری اصلا شکل نمیگرفت. تحریمها شرایط سخت معیشتی را بدتر میکند اما در اصل مساله یعنی بیا خاستن جامعه علیه شرایط فلاکتناز حاضر تغییری نمیدهد. مردمی که علیه گرانی و فقر و فلاکت بپا خاسته اند در اثر تشدید این شرایط زمینگیر نخواهند شد. حتی میتوان با سیاست و شعارها و فراخوان و عملکرد درست علیه تحریمها مبارزات مردم را گسترده تر کرد.

همانطور که گفتم مساله را باید مشخص بررسی کرد. اگر تحریمها در جامعه ای اتفاق میافتاد که اعتراض و مبارزه چندانی در آن جریان نداشت نتیجه اش تنها فقر و فلاکت و استیصال بیشتر مردم میبود. مانند جامعه عراق در دوره صدام که برای نزدیک به دهسال تحت تحریم بود. در مقطع اعمال تحریمها علیه رژیم صدام در جامعه عراق تحرکی وجود نداشت. ولی جامعه ای نظیر ایران امروز که در يك سطح سراسری علیه فقر و بقول خود مردم علیه "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی" بلند شده است، با تحریمها دست از مبارزه نخواهد کشید.

از سوی دیگر اینکه تحریمها به مبارزات مردم دامن میزند به يك معنا درست است. به این معنی که رژیم را تضعیف میکند. این نکته مهمی است. ببینید تحریمها فقط جنبه اقتصادی ندارد. تحریم اقتصادی است ولی يك معنی اش

از دید مردم بی اعتباری و تضعیف هر چه بیشتر رژیم است، ایزوله شدن هر چه بیشتر حکومت است. مردمی که شاهد این برخورد به حکومت هستند و جامعه ای که می می بیند آن گفتمان "تعامل و عادی سازی" که روحانی پرچمش را بلند کرده بود و ادعا میکرد برجام چرخ اقتصاد را دوباره به راه خواهد انداخت و سرمایه گذاریها اشتغال و رونق ایجاد خواهد کرد و غیره کنار رفته و آن افق کور شده است، در حالت تعرضی تری قرار میگیرد. برجام دردی از مردم دوا نکرد و نمیکرد ولی معلق شدن برجام حکومت را در موقعیت ضعیف تری قرار داده است. به این معنا يك حالت تعرضی تری قرار میگیرد. برجام دردی از مردم دوا نکرد و نمیکرد ولی معلق شدن برجام حکومت را در موقعیت ضعیف تری قرار داده است. به این معنا يك حالت تعرضی تری قرار میگیرد. برجام دردی از مردم دوا نکرد و نمیکرد ولی معلق شدن برجام حکومت را در موقعیت ضعیف تری قرار داده است. به این معنا يك حالت تعرضی تری قرار میگیرد. برجام دردی از مردم دوا نکرد و نمیکرد ولی معلق شدن برجام حکومت را در موقعیت ضعیف تری قرار داده است. به این معنا يك حالت تعرضی تری قرار میگیرد.

خلیل کیوان: اینطور که متوجه میشوم شما متد دیگری در برخورد به تحریمها دارید. تحریم را يك امر انتزاعی اصولی و در خود نمی بینید. ابعاد مختلف مساله را توضیح دادید. اشاره کردید که در رابطه با عراق تحریم اقتصادی را محکوم کردید. آیا تحریمی بوده در تاریخ که جنبه مثبتی داشته باشد؟ حمید تقوایی: میتوانم آفریقای جنوبی در زمان انقلاب ضد آپارتاید را مثال بزنم. در آن زمان

ای.ان.سی. (کنگره ملی آفریقا) که در واقع رهبر جنبش ضد آپارتاید بود خواهان تحریم رژیم آپارتاید بود و بالاخره سازمان ملل حکومت آفریقای جنوبی را تحریم کرد. آنزمان دولت آمریکا وانگلیس، در دوره رونالد ریگان و مارگارت تاچر، به تحریم آفریقای جنوبی نپیوستند ولی بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل رژیم آپارتاید را تحریم کردند. و بیشتر از یکسال طول نکشید که آن رژیم سرنگون شد. مبارزات و اعتراضات وسیعی در آفریقای جنوبی وجود داشت و ایزوله شدن همه جانبه رژیم آپارتاید در بزیر کشید شدن آن رژیم نقش موثری داشت. البته پیروزی جنبش ضد آپارتاید تنها بخاطر تحریمها نبود ولی مسالما تحریمهای همه جانبه به انقلاب مردم علیه رژیم آپارتاید یاری رساند. این يك نمونه از نقش و تاثیر تحریم در يك شرایط انقلابی است.

خلیل کیوان: بخاطر دارم که در آن مقطع در زمان انقلاب در ایران حتی کارگران شرکت نفت شیر نفت را بروی آفریقای جنوبی بستند.

حمید تقوایی: بله این هم يك مورد دیگر از تحریم بعنوان يك امر مثبت است. یعنی موردی که مردم انقلابی يك حکومت ارتجاعی را تحریم میکنند. تحریم نفت بوسیله کارگران علیه آفریقای جنوبی - و همچنین اسرائیل - در واقع حرکتی علیه رژیم شاه، که با هر دو این دولتهای ارتجاعی روابط حسنه ای داشت، هم بود. آن زمان کسی نگران نبود که کم شدن درآمد نفت وضع اقتصاد را به هم میریزد و وضعیت معیشتی مردم را بدتر میکند چون انقلابی در جامعه ایران در جریان بود و کارگران انقلابی از صدور نفت جلوگیری کرده بودند. این هم نمونه دیگری از تحریم به عنوان يك امر مثبت و در خدمت مردم است.

خلیل کیوان: يك استدلالی که با آن روبرو میشویم اینست که حکومت آمریکا حکومت قلدری است، سابقه مداخله در کشورهای دیگر

را دارد، کودتا سازمان داده است، بقیه این آن حکومت و یا جنبش آزادیخواه را میگیرد، و غیره. آیا همین قلدرمآبی به خودی خود موجب نمیشود تحریمها را محکوم کنیم؟

حمید تقوایی: حکومت آمریکا مسالما در تحریمها اهداف و سیاستهای ارتجاعی خودش را دنبال میکند. ولی دونکته را باید اینجا روشن کرد. اول اینکه آنچه حکومت آمریکا اعلام کرده اینست که جمهوری اسلامی باید حمایت نیرهای جنبش اسلامی سیاسی دست بکشد تا بتوانند دوباره مذاکرات را شروع کنند. طبعاً دولت آمریکا میخواهد با تحمیل این شرایط به جمهوری اسلامی سیاستهای ارتجاعی خودش را به پیش ببرد. میخواهد دارو دسته های اسلامی دیگری مثل عربستان و شاخه سنی اسلام سیاسی را تقویت کند. دونیروی ارتجاعی دارند با هم کشمکش میکنند. اینطور نیست که یکی قلدر است و دیگری قربانی و مظلوم! جمهوری اسلامی بخاطر سیاستهای مترقی نداشته اش مورد تحریم دولت آمریکا قرار نگرفته است. آنطور که مثلا دولت کوبا مورد تحریم واقع شد. دولت کاسترو سالها از جانب دولت آمریکا تحریم بود بخاطر اینکه با يك انقلاب چپ و ضد آمریکائی روی کار آمده بود و "خطر" رشد انقلابات در دیکتاتوریهایی آمریکا مرکزی و جنوبی که همه در کمپ و تحت انقیاد آمریکا بودند را افزایش میداد.

در مورد جمهوری اسلامی اینطور نیست. شرط آمریکا اینست که جمهوری اسلامی به دخالتگریهای ارتجاعی اش در منطقه پایان بدهد. سؤال اینست که اگر جمهوری اسلامی از سوریه و یمن و کلا منطقه کنار بکشد و به پای میز مذاکره برود وضعیت منطقه بدتر میشود؟ به نظر من اینطور نیست. جمهوری اسلامی

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون

از صفحه ۸

در منطقه و مشخصا در سوریه بیش از آن مرتکب کشتار و جنایت شده است که کسی بتواند با کوتاه شدن دست او مخالف باشد. قلدری جمهوری اسلامی بهتر از قلدری آمریکا نیست. با هر دو باید مخالف بود ولی نباید به بهانه جلوگیری از نفوذ یکی به دیگری رضایت یا امتیاز داد.

از دید مردم ایران پذیرش شرایط آمریکا بوسیله جمهوری اسلامی به این معنی نیست که یک دولت مدافع مردم سوریه و یا عراق و یمن و یا حکومتی که سیاستهای مترقی ای را در منطقه دنبال میکند به آمریکا تسلیم شده است. دو ارتجاع دارند با یکدیگر مقابله میکنند و کوتاه آمدن این یا آن ربطی به مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی ندارد. مردم ایران نمیتوانند دولت آمریکا را بزیر بکشند ولی سرنگون کردن جمهوری اسلامی تنها از دست آنان بر می آید. مردم شعار میدهند "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن" و این شعار رادیکال و درستی است. این که با خروج جمهوری اسلامی از سوریه نفوذ آمریکا در سوریه بیشتر یا کمتر میشود امر دیگری است که به شرایط منطقه و از جمله سیاست دولت پوتین که خود قلدر دیگری در جبهه جمهوری اسلامی است بستگی دارد. در هر حال جهمی که الان در سوریه زندگی را نابود کرده است و یک پای اصلی اش جمهوری اسلامی است از این بدتر نخواهد شد.

یک نکته دیگر موضع ضد آمریکائی است که معمولا تحت عنوان ضدیت با امپریالیسم و قلدرمنشی امپریالیستها از جانب برخی نیروهای چپ مطرح میشود. این نیروها فراموش میکنند که بخش دیگری از امپریالیستها یعنی دولتهای اروپائی و قلدرهای دیگری مانند دولت پوتین در کنار جمهوری اسلامی و علیه تحریمها هستند. آنها هم منافع ارتجاعی خودشان را دنبال میکنند. آنها هم با جمهوری اسلامی روابط تجاری و بده بستان اقتصادی دارند و

میگویند برجام صرفا بر سر مساله هسته ای بوده و جنایات جمهوری اسلامی در سوریه و عراق و منطقه به برجام ربطی ندارد و نباید وارد مذاکرات کرد و غیره. این فاکتور را هم در نظر بگیرید و بعد از دوستانی که تنها ملاکشان ضدیت با امپریالیسم است برسید که بالاخره علیه کدام دولتهای "امپریالیستی" باید بود؟ علیه آمریکا و یا اروپا؟ علیه قلدرمنشی آمریکا و یا روسیه؟

بنابراین حتی از موضع ضد امپریالیستی هم نمیشود فقط علیه تحریمها بود و به سیاستهای اروپای واحد و روسیه و چین که خواهان بسط روابط اقتصادی و سیاسی شان با جمهوری اسلامی و نوعی متعارف کردن آن هستند توجهی نکرد.

این کشمکش است بین دو ارتجاع، بین سیاستهای ارتجاعی آمریکا در منطقه با سیاستهای وحشیانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی و دولتهائی که در برابر تحریمها قرار گرفته اند و مانند روسیه و چین مدافع استراتژیک حکومت اسلامی در ایران هستند و یا مانند اروپای واحد سیاست گسترش مراودات اقتصادی با جمهوری اسلامی را دنبال میکنند. همه این نیروها به نوعی بدنبال رام کردن و استحاله و نرمالیزه کردن جمهوری اسلامی هستند. باید علیه هر دو قطب ایستاد. ضدیت با امپریالیسم و در واقع ضد آمریکائیگری جواب نیست.

همانطور که بالاتر اشاره کردم مردم ایران نمیتوانند دولت آمریکا یا روسیه را سرنگون کنند. امر آنها سرنگونی جمهوری اسلامی است و مقابله با سیاستهای ارتجاعی دولتهای دیگر نباید این امر را در هیچ شرایطی تحت الشعاع قرار بدهد.

در منطقه کرده است. درست همان چیزی که مردم در ایران میگویند. سوریه را رها کن فکری بحال ما کن.

حمید تقوایی: ما همیشه گفته ایم این دو ارتجاع وقتی از همدیگر افشاگری میکنند حقیقت را دفاع میگویند. وقتی از خودشان دفاع میکنند دروغ میگویند ولی علیه همدیگر حقیقت را میگویند.

خلیل کیوان: بله همین طورست. منظور من همسویی شعارهای مردم با ادعاهای آمریکا بود. شعار دیگر مردم اینست که "دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکاست". به این معنا آیا این تطبیق شعارهای مردم با خط آمریکا به این معنی است که مردم ایران پروامریکائی شده اند؟ و آیا این شانس به اپوزیسیون راست نمیدهد که با این تحریمها موقعیت خودش را تحکیم کند و مورد قبول واقع بشود؟

حمید تقوایی: به نظر من اینطور نیست. حتی نمیتوانید بگوئید مردم ایران با دولت آمریکا و اپوزیسیون راست هم جهت شده اند. همانطور که گفته دولت آمریکا اهداف ارتجاعی خودش را دنبال میکند. امر او به هیچوجه آزادی مردم ایران نیست. هدف او از تحریمها این نیست که مردم ایران به آزادی و برابری و حتی خلاصی از شر جمهوری اسلامی برسند. دولت ترامپ مظهر فاشیسم در این دوره است. هدف آمریکا نه در حال حاضر و نه در دوره بوش و کلینتون و قبل از آن هیچگاه این نبوده است که جامعه ایران آزاد بشود. دعوای آمریکا با جمهوری اسلامی بر سر سیاستهای منطقه ای است. خوشان هم این را صریحا اعلام کرده اند. گفته اند که اگر جمهوری اسلامی از سیاستهای منطقه ای اش دست بکشد و در چهارچوب سیاستهای آمریکا قرار بگیرد به تحریمها خاتمه خواهد داد. گفته اند هدف ما رژیم چنج و انداختن جمهوری اسلامی نیست، رام کردن آنست. میخواهند عربستان و امارت و شاخه سنی اسلام سیاسی را در

منطقه تقویت کنند. این هیچ همسویی ای با خواست و مبارزات مردم ایران ندارد. مردم بلند شده اند تا این حکومت را سرنگون کنند نه به این خاطر که در چارچوب سیاستهای آمریکا نیست بلکه به این خاطر که عامل کشتار و جنایت و بی حقوقی و فقر و فلاکت و آپارتاید جنسی و همه مسائل و مصائبی است که در جامعه بیداد میکند. مردم بدست متوجه شده اند که دشمن ما همین جاست. این

به نظر من شعار عمیقی است بخاطر اینکه جمهوری اسلامی مدام بر طبل ضد آمریکائیگری کوبیده است و مثل هر دیکتاتوری دیگری یک دشمن خارجی به اسم شیطان بزرگ را علم کرده است تا خودش را از زیر تیغ اعتراضات مردم بدر ببرد. بخصوص با اعمال تحریمها هر چه بیشتر به این نوع تبلیغات دامن خواهد زد. مردم باید هشیار باشند. مردم باید به حکومتها بگویند شما هر دعوائی با آمریکا دارید مساله خودتان است. خود حکومت باید هزینه تحریمها را تقبل کند. نباید اجازه داد از جیب مردم هزینه تحریمها را بپردازند. مردم باید در دل این کشمکش میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی جنگ خود برای بزیر کشیدن حکومت را به پیش ببرند و از تحریمها نیز بعنوان عرصه دیگری برای تعرض به جمهوری اسلامی استفاده کنند.

یک قطب دیگر کشمکش میان بالائی ها اروپای واحد است که چشم انداز اقتصاد ایران شکوفا خواهد شد و برجام قرار است جمهوری اسلامی را متعارف و قابل پذیرش کند - خطی که روحانی دنبال میکرد و امرز به ته خط رسیده - و غیره را در برابر مردم قرار میدهد. این سیاست هم تماما در برابر مردم ایران و مبارزاتشان قرار میگیرد. مردم ایران با همان شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" جواب این تلاشهای دول غربی را هم داده اند. نه چشم انداز برجامی و دو خردادی گلی به سر مردم میزند و نه تحریمها قرارست جمهوری اسلامی را بباندازد. مردم مبارزه مستقل خودشان را باید دنبال کنند و حتی نگاهی به

شعارها و مطالباتشان نشان میدهد که همین راه را در پیش گرفته اند.

خلیل کیوان: لازمست اینجا به اپوزیسیون راست و رابطه نها با ترامپ و تحریم بپردازیم. برخی از جریانات راست از جمله فرشگردی ها که متحد آقای رضا پهلوی هم هستند آشکارا از سیاستهای ترامپ و تحریم دفاع میکنند. وامیدوارند در نتیجه این تحریمها فروپاشی صورت بگیرد و راست از این طریق بقدرت برسد. در این رابطه چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: نیروهای راست همیشه روی این حساب کرده اند که با جلب حمایت دول غربی بویژه آمریکا امکانی پیدا کنند و از بالای سر مردم بقدرت برسند. در محاسبات و استراتژی آنها انقلاب و اعتراضات مردم جایگاهی ندارد و یا حداکثر بعنوان یک عامل فشار محسوب میشود که میتواند غرب را قانع کند که برای جلوگیری از "هرج و مرج" و "خطرچپ" آنها را به جلو براند. سناریوی نظیر آنچه خمینی را با تصمیمگیری دول غربی در کنفرانس گوادولوپ به جلو راند و بقدرت رساند. این موضوع هم فقط به تحریمها محدود نمیشود. از مدتها قبل مساله رژیم چنج و حمله نظامی و غیره جزئی از استراتژی نیروهای راست بوده است و امروز امیدوارند تحریمها تخته

پرش آنها به قدرت بشود. من در سوال قبلی توضیح دادم که امر مردم اینها نیست. امر خود دولت آمریکا هم این نیست. دولت آمریکا همانطور که توضیح دادم هدف رژیم چنج و بقدرت رساندن نیروهای راست را دنبال نمیکند. نیروهای اپوزیسیون راست تلاش میکنند به نحوی دولت ترامپ را طرفدار رژیم چنج نشان بدهد ولی خود دولت آمریکا بارها اعلام کرده است چنین قصدی ندارد. بارها اعلام کرده است که میخواهد جمهوری اسلامی را وادار کند به شرایط آمریکا تن بدهد و به سر میز مذاکره برگردد. حرفی از رژیم چنج مطلوب اپوزیسیون راست در میان نیست. بنابراین اینجا هم

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون

از صفحه ۹

نیروهای راست به نوعی کاسه داغ تر از آش شده اند و به فاشیستی مانند ترامپ دخیل بسته اند به این امید واهی که به نحوی آنها را بقدرت برساند.

خلیل کیوان: تاثیر تحریمها بر خود حکومت چیست؟ چه تاثیری بر اوضاع سیاسی دارد؟ آیا تاثیر مثبتی بر مبارزات مردم دارد و یا تاثیر منفی؟

حمید تقوایی: تاثیر بر اعتراضات مردم به نظر من بستگی به این دارد که نیروهای سیاسی چه موضعی بگیرند و چه راهی مقابل مردم بگذارند. مردم فی الحال و مستقل از تحریمها تحت فشارهای کمرشکن اقتصادی هستند.

بیکاری و گرانی و غیره در جامعه بیداد میکند و شعار علیه "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی" نشاندهنده يك اعتراض گسترده به این وضعیت فلاکتبار است. يك جنبه مهم این شعار اینست که فقط مساله فلاکت را مطرح نمیکند بلکه آنرا ربط میدهد دزدیها و ثروتهای نجومی که به قیمت فقر و فلاکت مردم در جیبهای گشاد مفتخوران حاکم انباشته شده است. اعلام میکند این فاصله بین فقر و ثروت باید از بین برود. بنابراین جامعه از يك موضع چپ و رادیکال علیه فشار کمرشکن اقتصادی فی الحال پیا خاسته است. بهمین خاطر همانطور که بالاتر توضیح دادم کسی که گمان کند تحریمها جامعه را پاسیو میکند و مبارزات مردم را تضعیف میکند کاملاً اشتباه میکند. کسی که زیر صد درجه فشار بلند شده است با صد و پنجاه درجه فشار مستاصل نخواهد شد و از مبارزه دست نخواهد کشید.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی بر میگردد يك معنی تحریمها اینست که آن چشم اندازی که بخصوص روحانی و جناح روحانی جلوی جامعه میگذاشت مبنی بر اینکه رژیم در حال متعارف شدن است، تعامل با غرب و سرازیر

شدن سرمایه ها و رونق اقتصادی در راهست و ما حکومتی نظیر ترکیه میشویم و جمهوری اسلامی در دیپلماسی و اقتصاد جهانی جا باز میکند و غیره، این افق و چشم انداز نوع دوخردادی تماماً بسته میشود. مساله هم فقط تحریمها نیست، با روی کار آمدن ترامپ این اتفاق افتاد. از این نقطه نظر چه در منطقه و چه در ایران موقعیت جمهوری اسلامی تضعیف شده است.

خلیل کیوان: در صحبتهای امروزی اشاره کردید به اینکه هزینه این تحریمها را باید خود حکومت بپردازد. در پیامی هم که از همین تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی پخش شد بر این تاکید کردید هزینه این تحریمها نباید بر دوش مردم باشد. حکومتی ها، از جمله آقای جهانگیری معاون اول روحانی گفته است ما حکومت پولداری هستیم و ذخایر مالی زیادی داریم. سؤال اینست که چطور میشود خرج تحریمها را به گردن دولت انداخت؟ حمید تقوایی: با مبارزه و اعتراض و اعمال فشار از خیابان و از جانب توده مردمی که فی الحال در حال اعتراض هستند. با تسلیم نشدن و مقابله با گرانی و تورمی که رژیم با تحریمها توجیه میکند و میخواهد بر سر مردم خراب کند.

ببینید جمهوری اسلامی نمیخواهد در برابر آمریکا کوتاه بیاید بخاطر اینکه میخواهد موقعیت خودش را حفظ کند و میداند هر درجه از کوتاه آمدنش در برابر "شیطان بزرگ" به معنی تضعیفش در منطقه و در خود جامعه ایران خواهد بود.

این را هم اینجا بگویم که هر اندازه هم که جمهوری اسلامی با روی کار آمدن ترامپ ضعیف شده باشد این عامل اصلی نیست. عامل اصلی ضعف جمهوری اسلامی در مقابل جامعه پیا خاسته است. و حتی تاثیرات مبارزات مردم است که دولتی مثل امریکا را به صرافت اعمال تحریمها و توجیه آن بعنوان کمک به

اعتراضات مردم میاندازد. اساس ضعف و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی مقابله با مردم است و نه مقابله با آمریکا. اگر بر طبل مرگ بر آمریکا میکوبد به خاطر آنست که حیثیت و هویت و استراتژیست اینست. با این پرچم زاده شده و خودش را ابتدا در مقابل انقلاب ۵۷ و بعد در برابر موج اعتراضات مردم سرپا نگاهداشته است و با این پرچم به ستون فقرات اسلامی سیاسی تبدیل شده. به این دلایل است که نمیخواهد از مرگ بر آمریکا و مرگ بر شیطان بزرگ و بخصوص دخالتگری در سوریه و یمن و عراق و جنایات و کشتارهایی که در منطقه میکند کوتاه بیاید.

مقابله مردم با این وضعیت چیست؟ اولاً اینکه ما با کل این سیاستهای ارتجاعی مخالفیم. "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن". و ثانیاً اگر حکومت میخواهد به این سیاستها ادامه بدهد باید هزینه تحریمها را از جیب خودش بپردازد. مقامات حکومتی و سران سپاه و مافیای اقتصادی هزاران میلیارد دلار در حسابهایشان اندوخته دارند. همانطور که اشاره کردید خودش در مقابل آمریکا و برای اینکه بگویند تحریمها تاثیری ندارد از ذخایر ارزشان دم میزنند. بنابراین اینطور نیست که تحریمها حکومت را هم فقیر کرده است. تحریمها باعث گرانی و تورم و کمبود و غیره میشود ولی حکومت و مفتخوران حاکم میلیاردها ذخیره مالی دارند. مردم باید اعمال فشار کنند و بخواهند که هزینه در واقع سیاستهای تروریستی حکومت را خودش بپردازد. این سیاستها همه به ضرر مردم و علیه آنهاست، علیه هم مردم ایران و هم مردم عراق و سوریه و یمن و کل منطقه. اگر جانیان مفتخورحاکم بر ایران میخواهند در برابر آمریکا کوتاه نیایند و به دخالتگری و جنایاتشان علیه مردم منطقه ادامه بدهند هزینه اش را باید خوشان بپردازند. نباید این استدلال را که تحریم شده و گرانی و کمبود اجتناب ناپذیر است را پذیرفت. دولت میتواند و باید با دادن سوسید از گرانی کالاهای مورد نیاز مردم و از احتکار تورم و

بازار قاچاق جلوگیری کند. در این شرایط مفتخورهای حاکم و بقول خودشان "کسبه تحریم"، به احتکار و بازار قاچاق و سوء استفاده های کلان از شرایط تحریم دست خواهند زد. باز قرار است مشت دیگری از مفتخورها میلیاردتر بشوند. باید در برابر اینها ایستاد و اجازه نداد. "احتکار و سوء استفاده وسود اندوزی از تحریمها ممنوع" و "هزینه تحریمها را باید حکومت بپردازد" شعارهای تعرضی است که میتوان حول آن يك جنبش تعرضی را سازمان داد و کاری کرد که بار تحریم ها بر دوش حکومت خرد شود و نه بر دوش مردم.

خلیل کیوان: این روزها لیست نسبتاً بلند بالائی از هنرمندان کشور تحریمها را محکوم کرده اند. در پیامشان کلمه ای در مورد وضعیتی که جمهوری اسلامی بوجود آورده است دیده نمیشود. شما در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: این هنرمندان نوع دوخردادی هستند که معمولاً در برابر سیاستها و عملکردهای فوق ارتجاعی حکومت و جنایات و سرکوبگریهایش - مثلاً علیه اعداها و اینکه همین چند روز قبل بیش از بیست نفر را در خوزستان اعدام کردند. جنایتی که بیشتر مصداق کشتار جمعی است تا اعدام- یا کلیه بلایا و مصائبی که حکومت باعث و بانی آنست اطلاعیه و بیانیه ای لازم نمی بینند ولی در چنین مواقعی که کشمکش میان حکومت و شیطان بزرگ بالا میگیرد فعال میشوند. این يك خط دو خردادی است که برای او هنوز ماجرا تمام نشده است و هنوز فکرمیکند نباید جمهوری اسلامی را تضعیف کرد بلکه باید به نوعی مرمت و اصلاحش کرد. این خط استحاله است و فقط هم به این هنرمندان محدود نیست. خود حکومت هم به این نوع تبلیغات باد میزند.

يك تلاش وسوء استفاده حکومت از تحریمها اینست که جامعه را به سمت ضد آمریکائیگری سوق بدهد. و ادعا

کند که آمریکا مسبب وضعیت فلاکتبار کنونی است. این هنرمندانی که به بیانیه شان اشاره کردید پامنبری های این تلاش هستند. از سوی دیگر این در عین حال در امتداد خط اروپا و روسیه و چین است. بویژه روسیه در بالا گرفتن آتش ضد آمریکائیگری حکومت منافع مستقیمی دارد. کل داستان اینست که چه دوخردادی ها و چه اروپای واحد و حتی آمریکا و چه جناحی از خود حکومت تصور میکنند که میشود جمهوری اسلامی را با تغییراتی سرپا نگاهداشت. در برابر همه این نیروهاست که مردم اعلام میکنند "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا". واقعا این بار ماجرا تمام است و این نوع تمهیدات به جانی نمیرسد.

خلیل کیوان: بعنوان سؤال آخر. سیاست حزب در خارج کشور طی سالهای گذشته این بوده است که جمهوری اسلامی بایکوت سیاسی و منزوی بشود. آیا رابطه ای بین تحریم اقتصادی و انزوا و تحریم سیاسی میشود پیدا کرد؟

حمید تقوایی: رابطه ای بین این دو وجود دارد ولی در جهت معکوس. به این معنی که قراردادهای معاهدات اقتصادی نظیر برجام خواه ناخواه به حکومت نوعی اعتبار و مشروعیت سیاسی میدهد. وقتی که مذاکرات برجام شروع شد از نظر سیاسی هم جمهوری اسلامی اعتباری کسب کرد. آقای ظریف در کردیورهای پارلمان اروپا و سازمان ملل می آمد و میرفت و با وزیر خارجه آمریکا و دیگر اعضای شورای امنیت مذاکره میکرد و عکس میگرفت و لبخند میزد و این تصویر را به جامعه مخابره میکردند که جمهوری اسلامی بر دوام است و دارد متعارف میشود و در عرصه اقتصاد و سیاست جهانی موقعیتی کسب میکند. هدف و منظور غرب از برجام هر چه بود این استفاده را جمهوری اسلامی از مذاکرات برجام برد.

ما با تحریمهای اقتصادی

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

از صفحه ۲

قرار گرفته بود.

را در تصمیم گیری دخیل میکند باز کرد و در عین حال سیاست مسئولانه ای در قبال سندیکا گرفت. در قطعنامه ای که منصور حکمت ارائه داد، بر سازماندهی شورائی کارگران بعنوان راه حل کمونیست ها و بعنوان گرایشی که در میان کارگران بطور وسیع و توده ای نفوذ دارد، تاکید شد و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده ای کارگری، بر شکلگیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری تاکید کردید. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از اینطریق ایجاد هرچه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری بود. جنبش مجمع عمومی، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، بدلیل وجود زمینه های مادی مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد. این قطعنامه و مصاحبه ای که بدنبال آن انجام شد، رویکرد ما در مورد تشکلهای توده ای کارگران در تقابل با گرایش رفرمیستی و سندیکالیستی را روشن میکرد. اهمیت سازماندهی حزبی برای کارگران نیز از بدو تشکیل حزب کمونیست در دستور

رژیم اسلامی و خبرهای ناخوش

از صفحه ۴

را اعتراف میکند و در مصاحبه ای با وب سایت خبر آنلاین چنین میگوید: "در ایران خیلی ها از پولشویی نفع می برند. و هزاران میلیارد پولشویی انجام می دهند. آنها حتماً آنقدر توان مالی هم دارند که ده ها صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضا سازی در کشور علیه قوانین ضد پولشویی ایجاد و صرف کنند." با توجه به اتفاقات چند روز

رسالتی در نظر بگیرد، چنین توقعی از خود داشته باشد و در کوران چنین مبارزه ای آموزش ببیند. این یکی از تفاوت های مهم جنبش کمونیسم کارگری با سایر جریانات چپ است. این نگرشی است که منجر به فعالیت هر روزه حزب کمونیست کارگری علیه مذهب و اعدام و سنگسار و بی حقوقی زن شده و به ایجاد انواع نهادها و کمیته ها منجر شده است. در دیدگاه ما کارگر یک صنف نیست که بخواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد و چشمش را بر اشکال دیگر بی حقوقی در جامعه ببندد. کارگر یک صنف نیست که در کارخانه استثمار میشود و ستم دیگری به او نمیشود یک موجود اجتماعی است که همه ستم ها بیش از هر طبقه دیگری به او آسیب میرساند و بیش از هر کس دیگری به او مربوط است. دیدگاه مقابل ما در واقع به کارگر بعنوان یک تولید کننده صرف، یک موجود غیر اجتماعی، نگاه میکند یعنی دقیقاً با همان دیدگاهی که سرمایه به کارگر نگاه میکند. و کارگری که به این مسائل بی توجه است، یک صنف میماند چه برسد بخواهد به منجی جامعه تبدیل شود.

اینها متدولوژی و مبانی نگاه ما به کارگر بوده است. سیاست های ما در پایه ای ترین سطح منتج از این نگرش است. نگرشی که اجازه داد سیاستی منسجم، پیگیر و موثر را در پیش بگیریم، و تأثیرات عمیق و غیر قابل بازگشتی بر طبقه کارگر بگذاریم. در بخش دوم این مطلب جنبه های مشخص تر این مساله را دنبال میکنیم.

خواهد گذاشت و به فقر و گرانی بیشتری منجر خواهد گشت. اما فراموش نکنیم که بانی و عامل اصلی تمام این مصائب منجمله فقر و گرانی در درجه اول حکومت اسلامی است. لذا تاوان و هزینه این تحریم ها نیز باید از جیب حکومت دزدسالار و آیت الله های میلیاردی پرداخت شود نه از جیب خالی شده مردم. این را ما مردم باید با اعتراضاتمان به حکومت چپاول اسلامی تحمیل کنیم.

درباره اعدام سلطان سکه

از صفحه ۴

رانت خواری است. یعنی اینکه بدلیل داشتن مناصب دولتی و یا روابط نزدیک با مقامات و مسئولین نظام از امتیازات ویژه ای برخوردار هستند و به این اعتبار بر احتی بر منابع ثروت در جامعه چنگ می اندازند و صاحب آن می شوند. بر این اساس اقتصاد ایران تحت سلطه باندتهائی قرار دارد که هر یک بدنبال تولید سود و ثروت و قدرت بیشتر برای دارو دسته خود هستند.

و حید مظلومین و شرکا نیز سرشان به یکی از همین باندها بند بوده است. شماری از بازاری ها گفته اند مظلومین با داشتن اطلاعات دست اول از حلقه های تصمیم گیری، و دسترسی پیش نویس بخشنامه های ابلاغ نشده، از دیگر بازیگران بازار جلوتر بوده است. یعنی این که او در این سیستم رانت خواری سبیل یک عده را چرب می کرده و سپس امکان می یافته یک شبه سودهای نجومی به جیب بزند.

با حذف فیزیکی مظلومین این مناسبات فاسد همچنان بر سر جای خود باقیست و تغییری در اقتصاد روی نداده است. حکومت دزد و چپاولگر جمهوری اسلامی دزد می زاید و مظلومین یکی از آنها بود و

"سفیر وجدان" و ...

از صفحه ۴

رضا شاه ها، سوهارتو ها، خامنه ای ها و صدها دیکتاتور ریز و درشت دیگر.

تجربه همه سوچی های تاکنونی، ما را به ایران هم می رساند. حقوق بشری های ایرانی. جایزه بگیران صلح نوبل ایرانی، شاهان ۲۵۰۰ ساله "حقوق بشر ایرانی" و ورثه های بی تاج و منتظرالخدمت ایرانی. و بالاخره مدافعان بالماسکه دمکراسی و سازندگی و عظمت و عزت ایرانی. این موج ناهمگون و خیالی مبارزین توخالی، ساخته می شوند تا در مقابل یک جامعه تشنه آزادی و رفاه و برابری، از نظام بردگی مزدی حفاظت کنند. به این جماعت فریبکار باید گفت نمی شود مدافع ریاضت اقتصادی بود و انسانی اندیشید. نمی توان مدافع سود پرستی بود و نوع

صدها مظلومین دیگر همین حالا در ارتباطی نزدیک با باندهای غارتگر حکومتی مشغول پارو کردن پول هستند.

درست در زمانی که دور دوم تحریم های آمریکا آغاز شده است و مردم عادی را به فقر و بدبختی بیشتر کشانده است آنها احتمالاً بیش از قبل پول پارو میکنند. اعدام مظلومین هم یک تسویه حساب جناحی است و هم جمهوری اسلامی می خواهد خود را فریادرس مردم جا بزند. اما همه به ریشش می خندند. چرا که مردم به خوبی می دانند جمهوری اسلامی با باندهای مافیایی اش، با آیت الله های میلیاردی و آقا زاده هایش و ملا خور کردن ثروت عمومی خود منشاء تمام فساد عظیم حاکم در جامعه است.

اعدام امثال مظلومین ها پاسخ اقتصاد ایران نیست بلکه تنها بر دلایل اصلی خرابی آن ها سرپوش می گذارد. و واقعیت این است که رهائی از دیکتاتوری و سرکوب و شرایط مشقت بار تحمیل شده به کارگران و توده مردم رانده شده بزیز خط فقر مستلزم نه تنها سرنگونی رژیم اسلامی بلکه خلع ید سیاسی و اقتصادی از کل طبقه سرمایه دار در ایران است. این جواب مسئله است و نه اعدام!

دوست شد. نمی توان خواهان کار کارگران با مزد یک دلار در روز بود اما سرکوبگر و دیکتاتور و آدمکش نشد. این سفیران وجدان ساخته و پرداخته زرادخانه فکری سیستمی است که تنها وجدانی که می شناسد له کردن انسان در بارگاه سود پرستی کاپیتالیستی است.

روح جنایت سازمان یافته دولتی بر جهان معاصر یک ضرورت نظام حاکم بر همه کره ارض است. لازمه این نظام در بخش اعظم جهان جنگ های قبیله ای و کشوری و منطقه ای است. لازمه بازتولید این نظام نابودی محیط زیست جهانی است. لازمه این نظام در بهترین نوع سیستم سرمایه داری در غرب تبدیل انسان به یک رای بی تاثیر است که سرنوشتش در پارلمان ها رقم می خورد و بیمه درمانی و بهداشت و دیگر بیمه های رفاهی و حقوق اجتماعی اش یکی پس از دیگری محلولتر می شود.



روزنامه بیلد از پرخواننده ترین روزنامه های عامه پسند در اروپا و آلمان است. این نشریه محافظ کار که نفوذ قابل ملاحظه ای در سیاست آلمان دارد، در هفته گذشته (۹ نوامبر ۲۰۱۸) در مقاله مفصلی به تلاش های تروریستی جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای اپوزیسیون و بویژه به خطراتی که مینا احدی را تهدید میکند پرداخته و دولت آلمان و اتحادیه اروپا هشدار داده است. یادآور شویم که حزب کمونیست کارگری در روزهای گذشته طی اطلاعیه ای از تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی علیه کل اپوزیسیون و مشخصا مینا احدی سخنگوی حزب خبر داده بود. از آنجا که انتشار این خبر در روزنامه بیلد موضوع را به متن سیاست آلمان و اروپا میبرد، مناسب دیدیم ترجمه فارسی گزارش بیلد را جهت اطلاع خوانندگان بطور کامل چاپ کنیم.

آیا او شماره یک در لیست مرگ است؟ آیا رژیم ایران یک موج قتل‌های جدید در اروپا را برنامه ریزی میکند؟

از: انتجه شپین

اخیرا از دو حمله از سوی جاسوسان ایرانی به نیروهای اپوزیسیون تبعید در دانمارک و فرانسه جلوگیری شد. در آلمان جاسوسان ایرانی اهداف یهودی و اسرائیلی را برای سوء قصد و همچنین مسیر گذرگاههای یک سیستم‌مدار را شناسایی کردند.

اینها علایم واضحیست از این احتمال که آنها دوباره در آلمان هم دست به سوء قصد هایی بزنند. اکنون فعال مشهور حقوق بشر، مینا احدی، بیم این را دارد که هدف بعدی باشد - او در ایالت شمال راین-وستفالیای زندگی میکند.

او میگوید از یک منبع قابل اعتماد در تهران به او اطلاع رسیده که اخیرا جلسه ای با آیت الله خامنه ای، رهبر ایران، در مورد اقدامات علیه افراد اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور انجام گرفته است که در آن نام او بعنوان اولویت در آلمان ذکر شده است.

از سال ۲۰۰۷، احدی چندین بار تحت حفاظت پلیس بوده است. قبل از هر چیز، فعالیت او علیه مجازات اعدام در ایران و علیه اسلامگرایی، او را به حذف سرسپردگان رژیم ایران تبدیل کرده است. او میگوید رژیم مرا در آلمان هم بارها و بارها تهدید کرده است. برای مثال، آنها در صندوق پستی ام یادداشت‌هایی می‌گذاشتند که در آن نوشته شده بود "ما میدانیم کجا زندگی میکنی". یا ده‌ها بار تلفن زدند و تهدید کردند که بالاخره به من دست خواهند یافت.

هنگامیکه او در سال ۲۰۱۰ از سکینه آشتیانی، که زیر تهدید

سنگسار بود، حمایت کرد و کمپین جهانی را راه اندازی کرد، تلویزیون دولتی ایران گزارشی را در مورد مینا احدی، که توسط یک دادستان به عنوان "تروریست" معرفی شده بود، منتشر کرد. خانواده اش در ایران نیز بارها و بارها تحت فشار بوده اند.

احدی میگوید این اواخر تهدیدات کاهش یافته بود، تنها با ایمیل هنوز برخی تهدیدات مرگ ناشناس را دریافت میکرد. اما فکر کردم آنها بیشتر افراد هستند، نه رژیم.

در حال حاضر جلسات و برنامه های علنی او دوباره توسط پلیس و اداره فدرال پلیس جنایی محافظت می شود. اما چرا ملایا از این زن اینهمه متنفرند؟ او توضیح داد: "در مورد من خیلی چیزها جمع میشود که مورد تفر آنهاست. من بسیار فعال هستم، نبرد من علیه مجازات اعدام در کمپین های بین المللی برای آنها خیلی ناخوشایند است. بعلاوه من یک زن هستم، به اسلام انتقاد میکنم، بطور مداوم در رسانه های فارسی تبعیدی فعال هستم و از حقوق زنان و آموزشهای جنسی روشنگرانه حرف میزنم و حمایت میکنم. همه اینها با ایده ها و تصورات آنها نامنطبق است."

اولین موج قتل‌های ایرانی در سال ۱۹۹۲ در برلین به پایان رسید

در دهه های ۱۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ماموران آخوندها یک لیست مرگ درست کردند: مخالفان بلند پایه رژیم که در اروپا زندگی میکردند در وین، پاریس، بن به قتل رسیدند.

تنها پس از اقدام تروریستی

علیه چهار سیاستمدار اپوزیسیون در رستوران "Mykonos" برلین در سال ۱۹۹۲ و محاکمه بعدی که در آن دخالت مستقیم رهبران ایران به اثبات رسید، این قتلها در اروپا پایان یافت.

تنها پس از اقدام تروریستی علیه چهار سیاستمدار اپوزیسیون در رستوران "Mykonos" برلین در سال ۱۹۹۲ و محاکمه بعدی که در آن دخالت مستقیم رهبران ایران به اثبات رسید، این قتلها در اروپا پایان یافت

پس از قتلها و تلاشهای قتل در هلند، دانمارک و فرانسه، سازمانهای اطلاعاتی و کارشناسان امنیتی نگرانند که رژیم دوباره دست به اینگونه حملات بزند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده در ماه مه سال ۲۰۱۸ در مورد ارتکاب به قتل های جاسوسان ایرانی در اروپا هشدار داد. و حوادث سال گذشته این نگرانی ها را تایید کرد

در نوامبر ۲۰۱۷، احمد نیسی، یک مخالف رژیم، جلوی خانه اش در لاهه کشته شد. مقامات هلند در ماه ژوئن و کارمند سفارت ایران را اخراج کردند. رسانه های دولتی ایران گزارش دادند که اخراج مربوط به این قتل بوده.

در ژوئن ۲۰۱۸ یک دیپلمات ارشد ایرانی در آلمان دستگیر شد. این دیپلمات دو تن از ماموران خود را با مواد منفجره مجهز کرده بود، آنها قرار بود به یک مراسم مخالفان در پاریس حمله میکردند.

در ماه اکتبر، سرویس اطلاعاتی دانمارک اعلام کرد که آنها از سوء قصد عوامل ایرانی به

سخنگوی یک گروه اپوزیسیون در نزدیکی کپنهاگ جلوگیری کرده اند. و از این رو دانمارک حالا خواستار تحریم های جدید اتحادیه اروپا علیه ایران است. هر دو سرویس اطلاعاتی داخلی و خارجی فدرال آلمان حاضر نشدند به درخواست "بیلد" جواب داده و در مورد فعالیت های ایران در آلمان حرفی بزنند. کنستانتین فون نوتس، متخصص سرویس های اطلاعاتی و معاون رئیس فراکسیون سبزها در پارلمان آلمان اعلام کرد: "دولت فدرال باید همه چیز را انجام دهد تا از فعالیت های سرویس های مخفی دیگر کشورها جلوگیری کرده واز ایمنی اعضای اپوزیسیون، مردم از ادیان مختلف و نهادهای آنها، و همچنین از حاکمیت دولتی جمهوری فدرال بطور موثر حفاظت کند

در آلمان، مأموران سرویس مخفی دولتی وزارت اطلاعات ایران و نیز جاسوسان واحد خارجی سپاه پاسداران، واحد قدس فعال هستند. به گفته محافل امنیتی، جاسوسان قدس از پنج شش سال پیش در آلمان هستند.

"ایران فکر میکند که آزادی عمل دارد زیرا اتحادیه اروپا میخواهد معامله برجام را نجات دهد"

بهنام بن طالبو، کارشناس ایران در اندیشکده آمریکایی FDD میگوید: "تصمیم ایران برای از سرگیری قتل ها در خارج، بویژه در اروپا، نگران کننده است

احتمالا ایران در حال حاضر احساس داشتن یک دست آزاد را دارد، زیرا اروپایی ها می خواهند بهر قیمت معامله هسته ای را نجات دهند

بگفته او اتحادیه اروپا نمیتواند پیام سیاسی و اخلاقی

قوی ای را برای ایران ارسال کند تا زمانی که این تصور را بدهد که میخواهد با فشار ایالات متحده بر ایران مقابله کند.

این کارشناس گفت محاسبه هزینه سود ایران دینامیک بوده و از پیش تعیین شده نیست: "اگر تهران فکر کند بتواند اقدامی را بدون مجازات انجام دهد، احتمالا به آن دست خواهد زد."

به نظر او اقدامات به قتل در اروپا، تنها دو بار در ۲۰۱۸، نشان میدهد که اروپا میبایست سیاست ایران خود را تغییر دهد.

"اعمال تحریم هایی علیه اعضای وزارت اطلاعات ایران و اعلام علنی نامهای همه دیپلماتهای درگیر، آغاز خوبی خواهد بود."

بن طالبو گفت کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید از دانمارک برای اعمال تحریمهای جدید در پاسخ به قتل‌های ناموفق حمایت کنند و علیه دانمارک کار نکنند.

و بیشتر: "در حال حاضر اتحادیه اروپا فرصتی برای نشان دادن چگونگی ارتباط خود با مردم ایران، و همچنین نحوه ارتباطش با رژیم ایران دارد."

تعیین طول عمری توسط عوامل رژیم ایران

فعالیت مینا احدی علیه نقض حقوق بشر توسط آخوندها از همان دوران تحصیلاتش در شهر تبریز ایران آغاز شد.

در سال ۱۹۷۹، در میان انقلاب اسلامی، علیه دیدار علی اکبر رفسنجانی، عضو وقت شورای انقلاب اسلامی از دانشگاهش و علیه حجاب اجباری که آخوندها برای زنان وضع کردند، اعتراض کرد.

نقشه عمل انقلاب زنانه برای ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸

یکشنبه چهارم آذر ۱۳۹۷ روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

بخش اول اطلاعیه انقلاب زنانه، بخش دوم راهکارهای عملی انقلاب زنانه

خشونت علیه زنان در ایران، خشونت سیستماتیک حکومتی است، راه لغو آن از مسیر مبارزه سیاسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی میگذرد



کارزار تکثیر دختران انقلاب، برداشتن حجاب بصورت جمعی و سراسری و سازماندهی اجتماعی برای تظاهرات میلیونی علیه حجاب اجباری و علیه قوانین اسلامی در دوره تعیین کننده پیش رو میدهد.

امروز در جهان از انقلاب زنانه در ایران به یک انقلابی عظیم علیه حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی و بردگی جنسی، فرهنگ مردسالارانه و نرینه سالارانه و علیه کلیت قوانین و فرهنگ اسلامی و علیه حکومت جمهوری اسلامی یاد میشود، لذا محور فعالیت ۲۵ نوامبر، چهارم آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان باید "دختران انقلاب"، "ته به حجاب اجباری"، "زنان و انقلاب ایران" و "جنبش نوین رهایی زن و سرنگونی جمهوری اسلامی" که ترندهای برجسته فضای سیاسی ایران هستند، باشد.

انقلاب زنانه

۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

۲۴ آبان ۱۳۹۷

زنان در ایران و رهایی جامعه هستند، بر ضرورت حمایت از مبارزات زنان در ایران در پیوند با مبارزات کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر جنبش های مبارزاتی تاکید کرده و فراخوان به فعالیت های اجتماعی در راستای تقویت جنبش نوین رهایی زن و پیشروی انقلاب زنانه در ایران میدهد.

انقلاب زنانه فراخوان به سازماندهی اجتماعی برای تشکیل "جمع های مقابله با خشونت علیه زنان" در محله ها، شهرها، محل تحصیل و کار با حضور فعالانه زنان میدهد تا این جمعها با هدف ممانعت از اعمال خشونت های قانونی و خشونت های گشت ارشاد و جلوگیری از تعرض و آزار زنان توسط ماموران سروکوب، جلوگیری از دستگیری و بازداشت دختران انقلاب و زنان معترض به حجاب اجباری، مانع از سرکوب زنان شوند.

انقلاب زنانه همچنین فراخوان به ادامه قدرتمندانه تر و گسترده تر

این واقعه، به حجاب اجباری اعتراض کرد، هرگز از خشونت گشت ارشاد علیه دختر دانشجویان سوهانک مرعوب نشده بود. همین دو نمونه ثابت میکند که زنان در طول یکسال گذشته، جسورتر، رادیکال تر، مبارزتر و انقلابی تر شده و پاسخ هر بار خشونت جمهوری اسلامی علیه زنان را با مبارزه ای رادیکال، انسان محور، سکولار، مدرن و برابری طلبانه، داده اند و با هر اقدامی جمهوری اسلامی را در عرصه مبارزه علیه حجاب و تفکیک جنسیتی و دیگر عرصه ها، طبق اعترافات خود مقامات حکومت، شکست داده و به عقب رانده اند.

انقلاب زنانه خواست پایان دادن به ستم و خشونت بر زنان، پایان دادن به خشونت های گشت ارشاد، آمرین به معروف و ناهیان از منکر، بسیجیان و دیگر ایادی جمهوری اسلامی که الگوهای قانونی خشونت و آزارهای جسمی، روحی، روانی و کلامی علیه زنان محسوب می شوند و به همین دلیل توسط ارگان های جمهوری اسلامی تقدیر می شوند، و همچنین خواست لغو قانون حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی و بردگی زن و دیگر قوانین اسلامی را خواست های فوری تلقی کرده و بر فراگیر شدن این خواستها توسط همه اقشار جامعه و سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان اولین گام تحقق این خواست ها، تاکید دارد.

انقلاب زنانه ضمن مغتنم شمردن مناسبت ۲۵ نوامبر، خطاب به همه زنان پیشرو و مبارز، فعالین حقوق زنان، فعالین دانشجویی، فعالین ال جی بی تی کیو، فعالین کارگری و معلمان، خانواده های زندانیان سیاسی زن و به همه انسانهای سکولار، آزادخواه و مدافع برابری که خواهان رهایی

خیابانها و میادین و دانشگاههای شهرهای سراسر ایران آشکار شد. جمهوری اسلامی همچون همیشه که هیچ راهی برای برون رفت از بحرانهای خود، جز سرکوب در دست ندارد، طی اقداماتی قهرآمیز، دست به ضرب و شتم و بازداشت دختران خیابان انقلاب زد، برایشان احکام قضایی سنگین صادر کرد، فعالین حقوق زن و فعالین دانشجویی دخالتگر در امر مطالبات رادیکال زنان را دستگیر و بازداشت و زندانی کرد، بر زندانیان سیاسی زن و خانواده های آن فشارهای همه جانبه وارد کرد، به تهدید و ایجاد رعب و وحشت پرداخت و با همه این اقدامات یکبار دیگر اثبات کرد که خشونت علیه زنان در ایران، در وهله اول خشونت قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام خشونت سازماندهی شده حکومتی است.

اما هیچکدام از این خشونت ها و اقدامات سرکوبگرانه، به جدال تنگاتنگ بین زنان و جمهوری اسلامی پایان نداد، چرا که زنان پیشرو و مبارز ایران بر این باور بوده و هستند که تنها راه پایان دادن به بیحقوقی، بردگی جنسی، فرهنگ نرینه سالار، مناسبات تبعیض آمیز، ظلم طبقاتی، ستم و خشونت بر زنان، پایان دادن به قوانین تبعیض آمیز و اسلامی است که قطعاً از مسیر سرنگونی این حکومت ضد زن و زن ستیز اسلامی می گذرد.

دختر دانشجویی که مانع از ورود گشت ارشاد به دانشگاه سوهانک شد و توسط خودرو گشت ارشاد به زیر گرفته شد، هرگز از بازداشت و احکام سنگین قضایی صادره برای دختران خیابان انقلاب مرعوب نشده بود، زن شجاعی که بدون حجاب با بادکنکهای رنگی و شال سرخ درست ۴۸ ساعت بعد از

در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان هستیم. در طول یکسال گذشته و مشخصاً از دیماه ۹۶ تا به حال، با وقوع اعتراضات سراسری و اعتصابات گسترده علیه گرانی، فقر، بیحقوقی و سرکوب های سازماندهی شده، شاهد عروج جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بوده ایم. از دل خیزش انقلابی دیماه ۹۶، جنبش نوین رهایی زن بعنوان یکی از رادیکال ترین جنبش های سیاسی، اعتراضی و مبارزاتی، با عروج دختران خیابان انقلاب و اعتراض علنی و گسترده به حجاب اجباری چنان ضربه محکم و مهلکی به جمهوری اسلامی زد که نه تنها موجب از هم پاشیدن شیرازه این حکومت شد، بلکه جهان را بطور فزاینده ای متوجه مبارزات زنان در ایران علیه قوانین اسلامی و جمهوری اسلامی کرد.

زنان پیشرو و مبارز، روی سکوهایی که به "سکوهای انقلاب" مشهور شد و مقابل مساجد و پایگاههای بسیج؛ این مراکز تولید و بازتولید خشونت علیه زنان، با اعتراض علنی به حجاب اجباری و زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی و ارکان این حکومت تاریخ را تکرار کردند. و این تاریخ چیزی نیست جز هشتم مارس روز جهانی زن در سال ۵۷ که تظاهرات باشکوه زنان علیه قوانین اسلامی و حکومت اسلامی برپا شد. جنبش نوین رهایی زن که یک جنبش فراگیر و قدرتمند در ایران، خاورمیانه و در سطح جهان است، اولین جنبشی بود که مقابل حکومت و قوانین اسلامی به عنوان نماینده جنبش اسلام سیاسی، در ایران ایستاد و در بستر یک انقلاب زنانه در طی چهار دهه گذشته آنچنان ایستادگی و مبارزه کرد تا اینکه نمادهای انقلاب زنانه در یکسال گذشته بیش از پیش در

راهکارهای عملی برای ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان تا دهم دسامبر

یک و نیم میلیون کودک بی هویت!!



و تظاهرات ها به این مناسبت. ۲. حمل پلاکاردهایی با شعارهایی به فارسی و انگلیسی در تظاهرات ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، در شهرهای مختلف در اعتراض به خشونت های جمهوری اسلامی علیه زنان و حمایت از "دختران انقلاب" و مبارزات زنان علیه جمهوری اسلامی، علیه حجاب و قوانین و فرهنگ اسلامی و دفاع از جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران.

۳. برگزاری تجمع، پخش فیلم، سمینار، کنفرانس، تاتر، رقص دسته جمعی، نمایشگاه عکس، سرودخوانی و دوره می ها در شهرهای مختلف در همبستگی با مبارزات زنان ایران. تدارک سخنرانی و میز کتاب و تلاش برای انعکاس مبارزات زنان ایران در رسانه های محلی و شهری، کشوری و بین المللی.

۴. برگزاری تجمع در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی و اعتراض به این حکومت زن ستیز و ضد زن.

ارسال گزارشات تصویری؛ عکس و فیلم، به پیامگیر تلگرام انقلاب زنانه از طریق شماره 0046739681438 و یا شناسه @sjktamas

شناسه @sjktamas

سرودخوانی در دانشگاه های سراسر ایران با محوریت "لغو حجاب اجباری"، "دختران انقلاب" و "توقف خشونت علیه زنان". ۳. برگزاری مراسم، همایش، تجمع، سرودخوانی، دوره می ها در سطح شهرها، در فرهنگسراها و خانه های فرهنگ، در میادین و خیابانها و پارک ها و اماکن عمومی با محوریت "لغو حجاب اجباری"، "دختران انقلاب" و "توقف خشونت علیه زنان". ۴. انتشار پیام های ویدئویی، عکس های سلفی و جمعی با بیان مطالبه "لغو حجاب اجباری" و "توقف خشونت علیه زنان" و در حمایت از "دختران انقلاب" مبارزات زنان.

۵. پخش تراکت با بیان مطالبه "لغو حجاب اجباری" و "توقف خشونت علیه زنان" و در حمایت از "دختران انقلاب" مبارزات زنان. ۶. تجمع مقابل بازداشتگاه ها و زندان ها با آزادی فوری و بی قید و شرط دختران انقلاب و فعالین در بند.

ارسال گزارشات تصویری؛ عکس و فیلم، به پیامگیر تلگرام انقلاب زنانه از طریق شماره 0046739681438 و یا شناسه @sjktamas

در خارج از کشور:

۱. پخش اطلاعیه انقلاب زنانه در دانشگاهها و محل کار و مراسم

در شبکه های اجتماعی:
راه انداختن گفتمان وسیع و موج اعتراضی در شبکه های اجتماعی در اینترنت و بخصوص در گروه ها و کانال های تلگرامی به اشکال مختلف با محوریت مبارزات زنان علیه حجاب اجباری، علیه تفکیک جنسیتی، علیه قوانین اسلامی و علیه خشونت های سیستماتیک حکومتی با کلیدواژه های "دختران انقلاب"، "نه به حجاب اجباری"، "زنان و انقلاب ایران" و "جنبش نوین رهایی زن و سرنگونی جمهوری اسلامی" و همگام شدن با طوفانهای توییتری بمناسبت این روز.

در داخل ایران:

۱. انتشار بیانیه هایی از طرف تشکل ها، جمع ها و فعالین عرصه زنان، دانشجویی، کارگران، معلمان، ال جی بی تی کیو و دیگر عرصه های مبارزاتی که منعکس کننده خواست و مطالبات جنبش نوین رهایی زن در ایران شامل لغو احکام صادره برای دختران انقلاب، آزادی فوری و بی قید و شرط دختران انقلاب و فعالین در بند و محکوم کردن خشونت های سیستماتیک حکومتی علیه زنان از جمله گشت ارشاد باشد.

۲. برگزاری تجمع، کنفرانس، سمینار، میز اطلاعاتی، نمایش فیلم و نمایشگاه، تاتر،

ایا او شماره یک در لیست مرگ است؟

ز صفحه ۱۲

آخوندها مبارزه کرد و ده سال بعد از ایران به اتریش فرار کرد، اکنون در آلمان زندگی میکند و عضو حزب کمونیست کارگری ایران است. در سال ۲۰۰۱، کمیته بین المللی علیه سنگسار، و در ۲۰۰۴ کمیته علیه مجازات اعدام را تاسیس کرد. او از خانواده های محکومان به اعدام حمایت میکند و توانسته است با کمپین های بین المللی از چندین اعدام جلوگیری کند

سپس او از دانشگاه اخراج شد، مجبور شد در یک کارخانه کار کند. در سال ۱۹۸۰، پلیس مخفی خانه او را جستجو کرد و شوهرش و پنج مهمان را دستگیر کرد. مینا احدی توانست بگریزد چون زمان حمله در محل کارش بود.

او زیر زمین رفت و بعنوان پارتیزان در مناطق کردنشین علیه

که یکی از آخرین نازنین فاتحی بود، یک زن جوان که در دفاع از خود، متجاوزش را به ضرب چاقو از پای درآورده بود. احدی علاوه بر این يك آنتیست معتقد است و "شورای مرکزی اکس مسلم" را در آلمان تاسیس کرد. مسلمانان از اسلام برگشته در نظام عدالت اسلامی ایران به اعدام تهدید میشوند. در ۲۰۰۸ او کنفرانس انتقادی اسلام در برلین را با دیگران سازماندهی کرد.

محسن ابراهیمی

این عکسها را خوب نگاه کنید. اینها فقط تعدادی از يك و نیم میلیون کودک هستند که "هویت" ندارند. چرا؟ چون بر اساس قانون مدنی که از سلطنت پهلوی به جمهوری اسلامی به ارث رسیده است کودکی که "مادرش ایرانی و پدرش خارجی" باشد نمیتواند شهروند شود. نمیتواند هویت ایرانی داشته باشد!

و این کودکان چون "هویت ایرانی" و به تبع آن اوراق شناسایی ندارند، از حقوق ابتدایی شهروندی محروم هستند.

تصور کنید در جامعه ای که حتی بسیاری از کودکانی که "هویت ایرانی" دارند خودشان از ابتدایی ترین حقوق محروم هستند و مثلاً با زباله گردی زندگی میکنند چه بلایی سر کودکی میاید که آن "هویت" کذابی را هم از او دریغ کرده اند!

تازه بعد از چهل سال، دولت اسلامی آنهم بعد از سالها استخاره و پس زدن همین موضوع توسط خود همین دولت، لایحه آورده است که به این کودکان "هویت" اعطا کند که اگر از هفت خوان ارتجاع اسلامی مثل مجلس و شورای نگهبان و ... بگذرد این کودکان مشمول حقوقی خواهند شد. مثلاً

میتوانند پشت نیمکت مدرسه بنشینند البته اگر جیب پدر و مادرشان کفاف هزینه سنگین مدرسه را بدهد!

اما سؤال این است که يك و نیم میلیون کودک هویت ندارند یعنی چه؟ مگر مثل همه کودکان از مادری متولد نشده اند؟ مگر مثل همه کودکان چشم و گوش و قلب و مغز و عقل و احساس و عاطفه ندارند؟ مگر مثل همه کودکان به غذا و آب و تفریح و شادی نیاز ندارند؟ مگر مثل همه کودکان کودک نیستند؟ انسان نیستند؟ هستند و در نتیجه این کودکان هویت دارند. این کودکان هویت انسانی دارند.

آنچه ندارند چیزی است که در مغز بیمار و علیل و گندیده هیپولاهای اسلامی و ناسیونالیستی هویت محسوب میشوند. اینها هویت اسلامی ندارند. اینها هویت قومی و ملی ندارند. اینها هویت ایرانی ندارند. به جایش هویت انسانی دارند.

جمهوری اسلامی اگر هیچ جنایت دیگری هم مرتکب نمیشد به خاطر چهل سال تعرض به پایه ای ترین حقوق کودکان "بی هویت"، به خاطر همین تک جنایتش علیه کودکان باید به زیر کشیده شود.

۱۲ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران صدقه بگیر نیستند! در حاشیه "بسته‌های حمایتی دولت!"



محمد شکوهی

محمد شریعتمداری وزیر کار حکومت این هفته جزئیات توزیع "بسته‌های حمایتی" دولت را اعلام کرد. وی گفته این کمک با هدف جبران بخشی از آثار ناشی از گرانی و تورم و همچنین تأثیرات تحریم‌های اخیر آمریکا بوده و این بسته هم بصورت "مالی" و هم بصورت "کالایی" ارائه می‌شود.

بر اساس این طرح افراد تحت نهادهای حمایتی (نظیر کمیته امداد و بهزیستی) رقیمی بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان برای خانوار یک تا ۵ نفره دریافت خواهند کرد. این بسته شامل کمک‌های جنسی و کالایی بوده و دارندگان کارت دریافت این کمکها، می‌توانند با مراجعه به فروشگاههای ویژه، مواد غذایی دریافت بکنند. وی همچنین گفته در مرحله دوم کارمندان دولت در بخش‌های مختلف شامل دریافت این بسته حمایتی شده با این تفاوت که به این بخشها کمک های نقدی داده خواهد شد.

در ادامه مباحث حکومتی پیرامون این موضوع معصومه آقاپورعلیشاهی، نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفته است: "تعداد بسته‌های حمایتی دولت به تاثیر تحریم‌ها و شرایط کشور بستگی دارد". لازم به توضیح است که اجرای این طرح از روز دوشنبه ۲۲ آبان آغاز شده است.

سوال این است دولت و وزارت کار با ارائه "بسته‌های حمایتی" یا بسته معیشتی "چه سیاستی را تعقیب می‌کنند و قرار است این سیاست چه مشکلی را از حکومت را برطرف سازد.

برای پاسخ به این سوال باید کمی عقب تر رفت. در مذاکرات سال گذشته برای افزایش دستمزدها نمایندگان دولت و کارفرمایان و خانه کارگرها، همه طرف‌های درگیر در این

مباحث توافق کردند که در صورت تصویب افزایش دستمزد مورد نظر دولت در شورای عالی کار و کمیته دستمزد حکومت، اینها موضوع "ترمیم دوباره دستمزدها" را در نظر خواهند گرفت. آن موقع این سیاست را در پیش گرفتند تا بتوانند دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر را به کارگران تحمیل نموده و عمده و اکثر خانه کارگرها و باندهای وزارت کار را مامور نمایند که در دفاع از دستمزدهای تحمیل شده، کارگران را آرام کرده و با خواست افزایش فوری دستمزدها که کارگران روزانه در مبارزات جاری شان در گوشه و کنار کشور جار می‌زنند، مقابله کنند.

اما در بحبویه این تلاشهای باندهای حکومتی، مبارزات کارگری برای افزایش دستمزدها بالا گرفت. خواست افزایش دستمزدها و به میدان آمدن دهها مبارزه پر شور و ادامه دار کارگران در بخش‌های مختلف، فشار جامعه کارگری بر دولت و کارفرمایان را افزایش داد. زیر فشار این مبارزات و برای مهار و کنترل این اعتراضات بود که برخی باندهای حکومتی از وزارت کار گرفته تا خانه کارگرها موضوع "ترمیم دستمزدها" را پیش کشیدند. در حالیکه کارگران در اعتراضاتشان خواهان افزایش فوری و نقدی دستمزدها می‌باشند، این باندها با دولت و کارفرمایان بر سر ارائه "بسته‌های حمایتی دولت" یا بسته کالایی و ... به توافق رسیدند.

رسالت این باندها در همراهی و همسویی با سیاستهای دولت، تلاش و تقلا برای جلوگیری از طرح مطالبه فوری افزایش نقدی دستمزدها توسط جنبش کارگری و اقتشار حقوق بگیر جامعه می‌باشد. اینها چندین نشست با

شورای عالی کار حکومت برگزار کردند. پیشنهادهای برای بازیابی طرح ارائه بسته‌های حمایتی دولت ارائه دادند. همه اینها بر سر ضرورت این سیاست دولت، که ارائه بسته‌های حمایتی تنها راه حل مقابله با کاهش قدرت خرید کارگران و افزایش گرانی‌ها می‌باشد، به توافق رسیدند. سیاست رسمی تشکل‌های زرد و دست ساخت حکومتی به همراه وزارت کار و دولت دفاع از این سیاست و تلاش و تقلا برای "جا انداختن این سیاست در میان کارگران شده است.

اما هدف اصلی دولت و کارفرمایان و باندهای دیگر حکومت در تصویب و اجرای طرح‌های اینچنینی اعلام رسمی بسته شدن مباحث مربوط به افزایش دستمزدها می‌باشد. شورای عالی کار و دولت و وزارت کار رسماً اعلام کرده اند که مذاکره ای بر سر افزایش مجدد دستمزدها در کار نخواهد بود. بدین ترتیب پرونده افزایش دستمزدها از نظر دولت و حکومت بسته شده است.

این سیاست بشدت ضد کارگری دولت روحانی و کل نظام است که در حال اجرا می‌باشد. حکومت تصمیمش را گرفته و افزایش دستمزدی در کار نخواهد بود. بسته حمایتی دولت هم پاسخ حکومت به مبارزات و اعتراضات در باره افزایش فوری دستمزدها به طبقه کارگر است. سیاستی که کارگران و حقوق بگیران را صدقه بگیر حکومت کرده و با پرداخت کمک‌های جنسی زندگی و معیشت کارگران را به این کمک‌ها گره می‌زند.

کارگران و حقوق بگیران صدقه بگیر حکومت نیستند. میلیونها نفر روزانه یا بیش از ده ساعت کار در بدین شرایط و با نازلترین دستمزدها کار و زندگی کرده و بر افزایش و تولید ثروت و دارایی‌های حکومت دولت

سرمایه داران و دزدان اسلامی سرمایه می‌افزایند و چندرغازی برای زنده ماندن به عنوان دستمزد دریافت می‌کنند. این زندگی در شان انسان نیست.

بدرست بخش‌های مختلف طبقه کارگر و اقتشار حقوق بگیر به این سیاستهای معترض بوده و علیه این سیاستها در دیماه سال گذشته و در مرداد ماه امسال به خیابانها ریخته و علیه فقرو گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر و علیه دزدی و فساد و.. شعار دادند. سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی حکومت در تحمیل فقر و فلاکت و زندگی‌های زیر خط فقری به اکثریت مردم، در کنار افزایش دزدیها و درآمدهای افسانه‌ای حکومت و باندهایش در چنین شرایطی، کارگران و مردم را به این نتیجه رسانده است که باید علیه وضع موجود به خیابان آمد. شعور عمومی و آگاهی بخش‌های مختلف کارگران در نقد و توضیح دلایل نابرابریهای اقتصادی و سیاسی تحمیل شده از طرف حکومت به اکثریت مردم، طبقه کارگر را به عمل اجتماعی و مبارزه برای پایان دادن به این وضعیت رسانده است.

مبارزات گسترده و ادامه دار بخش‌های مختلف کارگری، سخنرانی‌های پرشور علیه نابرابریهای نظام سرمایه داری نقد مناسبات موجود، در کنار فراخوان به سایر اقتشار مردم برای پیوستن به مبارزه بر علیه حکومت، سرفصل‌های باشکوه و نوین در مبارزه طبقه کارگر به عنوان پرچمدار رهایی از این وضعیت است. این پاسخ طبقه

کارگر و کل مردم ایران به حکومت سرمایه داران می‌باشد.

خواست افزایش فوری و نقدی دستمزدها، برخورداری از امکانات یک زندگی با استانداردهای امروز، برخورداری از دارو و درمان و بیمه و ... از مهمترین مطالبات کارگران می‌باشند که با اقبال عموم مردم نیز روبرو شده است. در کنار آن تشکلیابی و اتحاد فراگیر و سراسری کارگری در بخش‌های مختلف، سازماندهی مبارزات سراسری بر علیه سیاستهای سرمایه دارن اسلامی، آن جنبش قدرتمند طبقه کارگر است که قدرت و توان تحمیل خواستههای کارگران به حکومت را دارد. درعین حال اینرا هم خود کارگران می‌دانند که راه نهایی برای پایان دادن به این همه فقر، فلاکت و بی‌حقوقی و سرکوب، دزدی و فساد و... به زیر کشیدن کل بساط جمهوری اسلامی می‌باشد. طبقه کارگر می‌تواند در این پروسه به عنوان رهبر جامعه ضمن تحقق بخشیدن به خواست سرنگونی حکومت، زمینه برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر، با یک زندگی انسانی با بالاترین استانداردها و وسیعترین حق و حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شهروندان جامعه را فراهم نماید.

۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری

خانواده ها نیز به میدان آمدند

بساط دزدی و چپاول در این کارخانه و راه اندازی بخش های تولیدی آن و تامین امنیت شغلی کارگران است. کارگران میگویند باید کارخانه تحت نظارت شورای مستقل آنها اداره شود و خواستار پرداخت فوری سه ماه دستمزد معوقه، ایمنی محیط کار و دائمی شدن قراردادهای کاری خود هستند.

نپرداختن دستمزدها یعنی گرسنگی دادن خانواده های کارگری. این یک جنایت آشکار از جانب مفتخوران سرمایه دار و حکومت اسلامی شان است و به هیچ وجه قابل قبول نیست. تلاش برای ایجاد شورای مستقل کارگری و گزارشدهی هر روزه نمایندگان این شورا به مجمع کارگران و ایجاد همدلی و اتحاد در میان آنان، سر دادن شعار ملی، هفت تپه، کارگران متحد، سر دادن شعار نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد در پاسخ به سرکوبگری های حکومت، شرکت خانواده های کارگران در تجمع اعتراضی کارگران همگی نقاط درخشانی از اعتراضات کارگران هفت تپه و پیشروی های بزرگ اعتراض آنان برای کل جنبش کارگری است و میتواند الگویی برای همه کارگران باشد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
زنده باد شورای مستقل کارگران
نیشکر هفت تپه
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۷، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸



از ابتدای صبح امروز ۲۳ آبانماه کارگران نیشکر هفت تپه به طرف فرمانداری راهپیمایی کردند و با شعار مرگ بر ستمگر درود بر کارگر اعتراض خود را به کل بساط چپاول سرمایه داری حاکم اعلام داشتند. در تجمع امروز در مقابل فرمانداری خانواده ها نیز وسیعا شرکت داشتند و یکی از لحظات شورانگیز آن سخنرانی همسر یکی از کارگران بود. او سخنانش را چنین آغاز میکند و میگوید: "پارسال همین موقع در آذر ماه اعتصاب کردیم و آمدیم توی شرکت و توانستیم سه ماه حقوق عقب افتاده مان را تحویل بگیریم. الان یک سال گذشته و آن وعده و وعید هایی که به ما دادند، از فرمانداری گرفته تا استانداری همه باد هوا بود. از دولت خواستیم که افشار که سردسته اختلاسگران هفت تپه بود را ببندازند بیرون. با توانایی خودمان توانستیم این کار را بکنیم که افشار را ببنداریم بیرون". سخنان او با کف زدن کارگران پاسخ میگیرد. او در خاتمه میگوید که از تمامی تشکلهای کارگری در ایران و همه کارگرانی که در این روزها مثل این کارگران سرفه شان خالی از نان است میخواهد که به این اعتصاب بپیوندند. و از کارگران هفت تپه تشکر میکند که خانواده های کارگران را به اجتماعی اعتراضی خود دعوت کرده اند.

یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه پایان دادن به مالکیت بخش خصوصی و کل

دومین روز اعتصاب سراسری معلمان با قدرت برگزار شد

دید. بدین ترتیب در این دور از اعتراضات معلمان خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان همچنان درخشید و بیش از پیش میخ این خواست را بر سر در خواستهای سراسری کل جامعه کوبید. دیگر خواستههای معلمان عبارتند از افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان، لغو طرح معلم تمام وقت و توقف تشدید شرایط کاری آنها، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش و داشتن حق تشکیل است.

اعتصاب سراسری معلمان در ادامه شکل گیری زنجیره ای از اعتصابات کارگری و در اوضاع پر تلاطم جامعه یک اتفاق سیاسی مهم و بازتاب شرایط کنونی است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستها و مبارزات معلمان، بر تحقق فوری خواستههای آنان تاکید دارد.

زنده باد اعتصاب سراسری معلمان
پیش به سوی ایجاد شوراهای
هماهنگی اعتصابات

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۷، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸

ثلاث باباجانی، کازرون، پاوه، روانسر، یاسوج، تربت حیدریه، جوانرود، سروآباد، لامرد، سروآباد، الیگودرز، روانسر.

بنا بر گزارشات در جاهایی چون الیگودرز اکثر مدارس وارد اعتصاب شدند. در این اعتراضات صحنه هایی از حمایت و همبستگی والدین دانش آموزان با معلمان را نیز شاهد هستیم. همچنین دانش آموزان نیز در بسیاری از مدارس حمایت خود را از خواستههای معلمان به اشکال مختلفی بیان کردند. یک محور مهم اعتراضات معلمان، اعتراض به گرانی و تورم و زندگی زیر خط فقر است و محور مهم دیگر آن، اعتراض به امنیتی کردن مبارزات با خواست آزادی معلمان زندانی است.

معلمان با اعلام خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و اعتراض به آموزش کالایی تمامی دانش آموزان و خانواده هایشان را به حمایت از اعتراضاتشان فراخوانده بودند. در جاهایی حمایت دانش آموزان و خانواده هایشان را در حالیکه بنری بدست گرفته و از خواستههای معلمان پشتیبانی کرده اند را در گزارشات تصویری منتشر شده در مدیای اجتماعی میتوان

امروز ۲۳ آبان برای دومین روز و در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان در سراسری به اعتصاب خود ادامه دادند. شمار بسیاری از معلمان در شهرها و مدارس مختلف در دفاتر مدارس در حالیکه خواستههایشان را بر کاغذهایی نوشته و در دست داشتند، به تحصن نشستند. از روز گذشته معلمان در استانهای مختلف در صدها مدرسه به اعتصاب پیوستند. دامنه اعتصاب معلمان در این دو روز به نزدیک ۶۰ شهر رسید. از جمله گزارشات تصویری از تحصن معلمان در این شهرها بدست ما رسیده است: تهران، کرج، کرمانشاه، سنندج، دهگلان، ارومیه، اردبیل، بانه، اصفهان، کرمان، ایلام، سیروان، سقز، جلفا، آمل، بابل، خمینی شهر، مریوان، کامیاران، البرز، کرج، ماهیدشت، شیراز، همدان، چابکسر، اصفهان، تبریز، یزد، ایوان، ایرانشهر، دیواندره، زنجان، اهواز، شهریار، لنگرود، قزوین، مهرگان، بهارستان، خمینی شهر، شهرکرد، شیروان، اسلام آباد غرب، مشهد، خرم آباد، بوشهر، اندیشک، تاکستان، سرپل ذهاب،

معلمان بار دیگر دست به اعتصاب سراسری زدند

با تمام قوا باید از این اعتصاب و خواست های بحق معلمان که خواست های عموم جامعه است حمایت کرد. حزب کمونیست کارگری از کارگران و دانشجویان و بخش های مختلف جامعه میخواهد که به هر شکل که میتوانند از جمله با نصب بنرها و پوسترهای همستگی در محل کار و تحصیل و در سطح جامعه و با خبرسانی در مدیای اجتماعی و تاکید بر کلیه خواست های معلمان حمایت خود را از این اعتصاب اعلام کنند

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸

تعطیل شد. معلمان با انتشار عکس ها و کلیپ های مختلف در مدارس سراسر کشور بار دیگر بر خواستن های مهم خود تاکید کردند: تحصیل رایگان برای همه کودکان، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش، لغو طرح معلمان تمام وقت، افزایش حقوق به ۶ میلیون تومان، بیمه فراگیر و رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات و آزادی کلیه معلمان زندانی، مدارس ایمن و استاندارد و امنیت شغلی از جمله خواست های مهم معلمان بود. معلمان همچنین به گرانی اجناس که معضل کلیه جامعه است اعتراض کردند.

روز ۲۲ آبان به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در استان های مختلف کشور دست به اعتصاب و تحصن در مدارس زدند. در جریان اعتصاب دو روزه معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه، معلمان التیماتوم دادند که چنانچه به خواست های آنها رسیدگی نشود باز هم دست به اعتصاب میزنند. ..اعتصاب امروز در استان های مختلف کشور با قدرت برگزار شد. در اولین روز اعتصاب کلاس های درس در استانهای تهران، کردستان، یزد، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خوزستان، فارس، همدان، گیلان، مازندران، کرمان، ایلام، البرز و سیستان و بلوچستان

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

است، وضعیت بسیار نابسامان دارد و تحت عنوان کمبود در آمد بیمارستان، وضع غذایی بیماران بسیار پایین است.

تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری الوند

روز ۱۹ آبان جمع بزرگی از کارگران فضای سبز شهرداری الوند در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق خود دست از کار کشیدند و در مقابل درب شهرداری تجمع کردند.

اعتراض علیه بیکاری

روز ۱۹ آبان جمعی از جوانان و مردم بیکار در منطقه ویژه عسلویه با خواست فوری کار در مقابل ساختمان اداره کار این منطقه تجمع کردند. تجمع اعتراضی علیه بیکاری در مقابل اداره کار در عسلویه میتواند الگویی برای اعتراض جوانان و نیروهای بیکار در شهرهای مختلف بدست دهد. تمامی افراد بیکار جامعه باید از کار و یا بیمه بیکاری مکفی و یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

تجمع اعتراضی کارگران خط شش قطار شهری تهران

روز ۱۹ آبان کارگران خط شش قطار شهری تهران در اعتراض به "بدحسابی" مدیریت و نپرداختن دستمزدهایشان مجدداً در مقابل ساختمان دفتر مرکزی شرکت در منطقه مرزداران تجمع کردند. بنا بر خبر بنیال تجمع اعتراضی قبلی آنان مدیریت مکلف به پرداخت فوری ۲ ماه از ۶ ماه دستمزد معوقه کارگران به همراه عینی سال گذشته آنان تا پایان وقت اداری ۱۵ آبان شده بود. اما مدیریت تنها عینی سال گذشته را پرداخت کرد و هیچ بخشی از طلب مزدی کارگران پرداخت نشد. در اعتراض به این قلدری آشکار و بالا کشیدن ۶ ماه مزد، کارگران دست از کار کشیده اند و خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

تجمع اعتراضی کارگران خدمات و فضای سبز شهرداری شادگان

روز ۱۹ آبان کارگران خدمات و فضای سبز شهرداری شادگان (فلاحیه) به علت تعویق پرداخت ۸ ماه مزد خود در مقابل درب ورودی استانداری خوزستان، برای پنجمین روز متوالی اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران

شامل معادن پابدانا، همکار، هشونی، هجدک، کمسار، آب نیل و کارخانه زغالشویی زند می شود.

ادامه اعتراضات کارکنان بیمارستان خمینی

روز ۲۱ آبان بین ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر از کارکنان بیمارستان فوق تخصصی امام خمینی کرج در ادامه اعتراضاتشان به خاطر ۱۲ ماه دستمزد پرداخت نشده و وضعیت بلا تکلیف و نابسامان بیمارستان و بیکار شدن از کارشان در محل سالن اجتماعات بیمارستان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیسون

روز بیستم آبانماه کارگران شرکت کیسون در اعتراض به عدم پرداخت ۱۷ ماه حقوق معوقه خود در مقابل درب اصلی این شرکت در خیابان سه راهی فرودگاه اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی بیستون

روز ۲۰ آبان کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی بیستون در اعتراض به وضعیت نامناسب و شرایط برده وار کاری خود دست از کار کشیدند و برای دومین روز در محوطه این مجتمع تجمع کردند. عدم پرداخت به موقع حقوقها، قراردادهای پیمانی و نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نپرداختن پاداش بهره وری به آنان و پرداخت مزد کمتر از کارگران رسمی در برابر کار برابری که انجام میدهند، از جمله موضوعات رسمی در برابر کار برابری است. این کارگران خواستار افزایش فوری سطح حقوقها، پرداخت بموقع آن در هر ماه و دائمی شدن قراردادهایشان هستند.

تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان خمینی

روز ۲۰ آبان حدود ۱۵۰ نفر از کارکنان بیمارستان "امام خمینی" در ادامه مبارزات قبلی خود بخاطر ۱۲ ماه دستمزد پرداخت نشده و وضعیت بلا تکلیف و نابسامان بیمارستان تجمع کردند.

بنا بر خبر کارکنان این بیمارستان زیر فشار اقتصادی سنگینی قرار دارند و با بلا تکلیفی وضع بیمارستان از کار بیکار شده اند. بعلاوه بخش مربوط به بیماران دیالیز که هنوز دایر

کارگران مس سرچشمه خواستار قراردادهای دائم کاری هستند

حدود ۳۰۰ کارگر قراردادی معدن مس سرچشمه که از طریق شرکت پیمانکاری آریاناران در معدن مس سرچشمه مشغول کارند، خواستار دائمی شدن قراردادهایشان هستند. این کارگران با دستمزد ۱۲ سال سابقه کاری امنیت شغلی ندارند و خود را همواره در معرض اخراج می بینند. کارگران مس سرچشمه در رابطه با همین موضوع قبلاً نیز در چندین نوبه به وزارت صنعت و معدن و تجارت و دفتر روحانی مراجعه کرده و دست به تجمع اعتراضی زده اند. زیر فشار این اعتراضات آنها توانستند که دستمزد مساوی با کارگران رسمی را به مدیریت تحمیل کنند. اما سطح این دستمزدها چند برابر زیر خط فقر است و گرانی روزافزون اجناس قدرت خرید آنها را بطور جدی کاهش داده است.

تجمع اعتراضی کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز

روز ۲۱ آبان کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز برای دومین روز در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیده و تجمع کردند. این کارگران ۱۷ ماه مزد طلب دارند و هر روز وعده پرداخت بخشی از آن داده میشود و بدتر اینکه در حرکت اعتراضی روز قبل از آن مسئولین قطار با حضور در جمع کارگران اعلام داشتند که منابع مالی کافی برای پرداخت بخشی از طلبهایشان را که وعده داده شده بود، ندارند. به این ترتیب مدیریت این پروژه ماهها مزد کارگران را بالا کشیده و پاسخ کارگران را نمیدهد. کارگران خواستار تمام طلبهایشان هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خانفاره

روز ۲۱ آبان کارگران شهرداری خانفاره در استان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد خود برای ساعتی دست به اعتصاب اختطاری زدند و مقابل شهرداری شهر تجمع کردند. علاوه بر کارگران شهرداری خانفاره هم اکنون کارگران شهرداری الوند در استان قزوین و نیز در سمنج و شادگان در رابطه با تعویق پرداخت دستمزدهایشان اعتراضاتی داشتند. در الوند کارگران شهرداری از تیر امسال مردشان را طلب دارند. بعلاوه از سال گذشته نیز هر کدام ۴ تا ۵ میلیون تومان طلبکارند. این کارگران بعد از تجمع روز ۱۹ آبانماه خود موفق به دریافت هشتصد هزار تومان از طلبهایشان شدند

۳ هزار کارگر معادن زغال سنگ کرمان در اعتراض

صبح روز ۱۹ آبان حدود ۳ هزار کارگر قراردادی شاغل در معادن زغال سنگ کرمان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و با خواست اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل در محل کارگاه تجمع کردند. به گفته کارگران مزد ماهانه آنها حتی از سقف حداقل دستمزد نازل تعیین شده دولت نیز کمتر است. این درحالیست که حق اضافه کاری و دیگر مزایای شغلی آنها همچون حق همسر را هم ملتهاست به آنها نمیدهند. این وضعیت بویژه با افزایش هر روزه قیمت ها فشار اقتصادی را بر کرده آنان بیشتر کرده است. معادن زغال سنگ کرمان با سه هزار کارگر قراردادی



کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۵

کردن ماتریال آموزشی و اموراتی چون تصحیح اوراق امتحانی و کارهایی دیگر از این دست تعیین شده است. ماجرا از این قرار است که از زمان نخست وزیری موسوی تحت عنوان نیاز شرایط جنگی ساعات کار معلم در مدرسه از ۲۲ ساعت به ۲۴ ساعت افزایش یافت. با این تبصره که قرار بود بابت این دو ساعت به او اضافه کاری تعلق گیرد. اما ساعت کار معلم عملاً به ۲۴ ساعت تبدیل شد، بدون اینکه پولی به او تعلق گیرد و هم اکنون بسیاری از معلمان بازنشسته و معلمانی که شاغلند بابت آن همچنان طلبکارند. اکنون حکومت اسلامی با جلو آوردن دوباره "طرح معلم تمام وقت" در نظر دارد ساعات کار هفتگی معلم در مدرسه را به ۳۰ ساعت برسد. این تصمیم ساعت کار معلم را با توجه به ساعات کارش در خارج از کلاس درس، عملاً به بیش از ۴۵ ساعت در هفته افزایش میدهد و این یک فشار سنگین بر کرده معلم است. بگذریم که کار در کلاسهای شلوغ و بالاتر از حد استاندارد آموزشی، کار در مدارسی محروم از حداقل امکانات آموزشی و نا امن بر سختی کار معلمان در مدارس صد چندان می افزاید. خصوصاً اینکه یک وجه مهم کار معلم بعد انسانی آست و از همینرو شغل معلمی بعنوان یکی از مشاغل سخت و سنگین در ردیف کار در معادن قرار گرفته است. حال در شرایطی که فقر و فلاکت در جامعه بیداد میکند، سر و کار داشتن هر روزه معلم با کودکانی که به خاطر گرسنگی قرار و آرامی ندارند، کار معلم با فشارهای سنگین روحی نیز همراه میشود. بدین ترتیب میتوان تصور کرد که با اضافه شدن ساعت کار معلم در مدرسه چه بر سر شرایط کار و زندگی او و بر سر آموزش و پرورش خواهد آورد. طرح "معلم تمام وقت" بطور واقعی طرح به بردگی کشاندن معلم و تشدید فشار بر شرایط کار و زندگی است. معلمان به این بردگی تن نخواهند داد.

اعتراضی آنها از صدها مدرسه در استانهای مختلف وسیعاً پخش شد و این موفقیت برای معلمان و برای کل جامعه به ثبت رسید. نکته آخر اینکه این بار نیز معلمان با خواستههای روشنی به میدان آمدند و خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان، همچنان در راس خواستههایشان درخشید. خواستههای دیگر معلمان عبارت بودند از پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی شدن آموزش و داشتن حق تشکل که بر روی کاغذ نوشته های که در تحصن خود در دست داشتند، میشد آنها را دید.

طرح "معلم تمام وقت"، طرح بردگی معلم

یک موضوع مهم اعتراض معلمان در اعتصاب دو روزه ۲۲ و ۲۳ آبان، خواست لغو "طرح معلم تمام وقت" بود. هدف این طرح اضافه کردن ساعات کار معلم و رساندن سقف آن به ۳۰ ساعت کار در هفته است و این تعرضی گسترده به زندگی و معیشت معلمان است. با این کار استنمار شدت می یابد و کیفیت آموزش از وضعیت امروز نیز پایین تر خواهد آمد. جمهوری اسلامی این طرح را در دستور گذاشته است چون دهها هزار معلم کمبود دارد و میخواهد برای تامین این نیرو هزینه ندهد. و به جای استخدام نیروی جدید و به جای رسمی کردن معلمان حق التدریسی که سالهاست برای تغییر موقعیت استخدامی خود اعتراض میکنند و جوبی نگرفته اند، از معلمان بیگاری بکشد. معلمان در برابر این طرح برده وار ایستاده اند. برای روشن شدن موضوع بد نیست کمی به چگونگی تخصیص ساعات کار معلم و سابقه این طرح اشاره کنم. ساعت کار هفتگی معلم بر اساس ساعت کار او در مدرسه و نیز ساعات مورد نیاز برای کار در خارج از کلاس درس جهت آمدن



یک هفته سکولار در برلین

فیلم از زندگی و علت فرار پناهندگان بیخدا از کشورهای اسلامی از حق این پناهندگان دفاع شد. برنامه ها ادامه دارد و جمعه یکی از مهمترین کنفرانسها در آلمان با حضور حامد عبدالصمد، مینا احدی و رعنا احمد با عنوان اسلام و حقوق انسانی برگزار خواهد شد. این برنامه لایو از فیس بوک پخش میشود.

میشایییل شره مر منتقد امریکایی مذهب با حضور ۷۰۰ نفر در سالن اورانیا در برلین آغاز شد. سپس در روز دوشنبه کنفرانس مطبوعاتی با حضور میشایییل اشمیت سالمون، مینا احدی، رعنا احمد و اشتفان پایتنر و کارستن فرک برگزار شد و در ادامه شب دوشنبه برنامه ای با عنوان جهان وطن من است با نمایش

به دعوت چند سازمان معروف آلمانی در شهر برلین هفته سکولار در دفاع از حقوق انسانی از ۱۱ تا ۱۸ نوامبر در جریان است. در این هفته چندین کنفرانس و نمایش فیلم و برنامه سیاسی و فرهنگی در دفاع از جهانشمولی حقوق بشر برگزار میشود. یکشنبه این برنامه ها با سخنرانی ریچارد داوکینز منتقد سرشناس مذهب و

مستقل خویش در مراکز کارگری فرا میخواند.

راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز ...

از صفحه ۲۲

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای
کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۷، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸

است که این بساط ناعادلانه و غیرانسانی را جارو خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به شدت دادن به اعتراضات و اعتصاب سراسری، تاکید بر افزایش چندین برابری دستمزدها، حق تشکل و حق اعتصاب و تشکیل شوراهای

مشکل مواجه هستند. این وضعیت باید هرچه زودتر خاتمه یابد. کارگران و همه مردم حق دارند از زندگی انسانی و مرفه برخوردار شوند. کارگران علیه این بساط چپاول بپا خاسته اند و طنین شعارها گویای در راه بودن طوفانی

تحریمها، حکومت، مردم و اپوزیسیون

از صفحه ۱۰

کوتاه مدت دیگری باعث میشود از نظر سیاسی هم در بروی جمهوری اسلامی باز بشود و جمهوری اسلامی یک ظاهر ذیصلاح و مقبولی به خود بگیرد. در حالی که از دید مردم ایران این حکومت عین توحش و ارتجاع است. مردم دیگر نمیتوانند حکومت اسلامی را تحمل کنند.

بنابراین بطور خلاصه جواب من به سنوال شما اینست که رابطه مستقیمی میان مذاکرات و معاهدات اقتصادی با اعتباربخشی به جمهوری اسلامی وجود دارد و ما گرچه خواهان تحریم اقتصادی نیستیم ولی با برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی با حکومت اسلامی در هر سطحی مخالفیم و برای منزوی کردن این حکومت در سطح جهان مبارزه میکنیم.

قیافه یک حکومت متعارف را بخود بگیرد و وارد روابط دیپلماتیک بین المللی بشود. امروز با خروج آمریکا از برجام این روند کند شده است ولی در هر حال، با یا بدون برجام، خواست ما اینست که جمهوری اسلامی به رسمیت نشناخته نشود و روابط سیاسی و دیپلماتیک با او قطع بشود. بخصوص با ترور هایی که این روزها در اروپا اتفاق افتاد خواست بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی زمینه بیشتر و مساعد تری پیدا کرده است. ما خواهان تحریم سیاسی دیپلماتیک جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت تروریست هستیم. هر نوع مذاکره و قرارداد و معاهده اقتصادی در شکل برجام و یا هر نوع معاهده دراز مدت و حتی میان مدت با

مخالفیم ولی همانطور که گفتید ما همیشه خواهان آن بوده ایم که این نوع مذاکرات و توافقات و نشست و برخاستها با جمهوری اسلامی قطع بشود. خواهان آن بوده ایم که از نظر دیپلماتیک روابط با جمهوری اسلامی قطع بشود و سفارتخانه هایش بسته بشود. این حکومت نباید بعنوان حکومت ایران برسمیت شناخته بشود چون نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنها است. این خواست ما بوده است و تلاش کرده ایم با اتکا به نیروهای مترقی و چپ و آزادیخواه در کشورهای غربی به سازمان ملل و دولتها اعمال فشار کنیم که روابطشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند. برجام اجازه داد که هر چه بیشتر جمهوری اسلامی

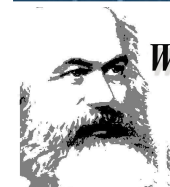
ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز و تجمع مقابل استانداری

روز ۲۰ آبان کارگران گروه ملی فولاد اهواز در دومین روز دور جدید اعتراضاتشان مقابل استانداری اهواز تجمع کردند و با شعار دادن و کف زدن پیگیر خواستههایشان شدند. کارگران در این روز با شعارهای "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن"، "ذلت نمی پذیریم حقمون را میگیریم"، "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "دستهای پشت پرده با کارخونه چه کرده"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "بطور واقعی اعتراض خود را به کل بساط سرکوب و چپاول سرمایه داری حاکم اعلام داشتند. این کارگران ۴ ماه است دستمزد نگرفته اند و با کمبود مواد اولیه تولید این مجتمع بشدت کاهش یافته و خطر بیکار شدن کارگران را تهدید میکند. آنچه در گروه ملی فولاد اهواز میگذرد گوشه دیگری از نتایج بساط دزدسالاری حاکم است که دامنگیر کارگران شده است و یک قلم مشخص این دزدی ها بالا کشیدن دستمزد کارگران

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آبان ۱۳۹۷، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۸



فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6



**WE STILL NEED MARX
 TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
 Workers-Communist Party of Iran
 www.wpiiran.org

ادامه اعتراض و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کارگران متحد "همبستگی مبارزاتی خود را با کارگران گروه ملی و همه کارگران در ایران اعلام داشتند. سردادن این شعار از سوی چند هزار کارگر هفت تپه، نشانگر یک نقطه عطف در جنبش کارگری و پیوستگی سراسری اعتراضات کارگری است.

کارگران گروه ملی امروز در اوج اعتراضاتشان، در شرایط مناسبی برای اعلام شورای مستقل کارگران و اتکاء بر مجمع عمومی شان به عنوان مکانی برای متحد ماندن و اعمال قدرت متحد کارگری قرار دارند. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران گروه ملی بر حمایت وسیع مردم از اعتراض این کارگران و حضور وسیع خانواده های کارگران در اعتراضات تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری زنده باد شوراها کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آبان ۱۳۹۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸

راهپیمایی و شعار دادن کارگران گروه ملی در سطح شهر اهواز

نه زندان، دیگه فایده ندارد، عزم خود را به ادامه اعتراضاتشان اعلام میکنند.

امروز که کارگران گروه ملی در کوران اعتراض بر سر خواستههایشان گرد هم جمع هستند، بهترین فرصت برای اعلام شوری مستقل کارگران و اتکاء آنها بر مجمع عمومی شان به عنوان مکانی برای متحد ماندن و متحد عمل کردن است. حزب کمونیست کارگری بر حمایت وسیع مردم از اعتراض کارگران گروه ملی و حضور وسیع خانواده های کارگران در اعتراضات تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری زنده باد شوراها کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آبان ۱۳۹۷، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸

داشتن حق تشکل و ضرورت ایجاد شوراها مستقل کارگری به عنوان ظرفی برای دخالتگری و عمل مستقیم خود کارگران و امکان ایستادن در برابر دزدی هاست.

در حرکت اعتراضی امروز بار دیگر شعارهای کوبنده کارگران در فضای شهر اهواز طنین انداخت. شعارهای کارگران در این روز عبارت بود از: "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگو آمریکاست"، "نه تهدید نه زندان دیگه فایده نداره"، "نه قاضی، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "گروه سرد و خاموش، مرگ بر مافیا"، "دستهای پشت پرده، با گروه ملی چه کرده"، "فرماندار استاندار، بیعرضه و بیخیال" و "این همه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی".

در این روز یعنی ۲۲ آبان کارگران هفت تپه نیز که با معضلات مشابهی همچون کارگران گروه ملی درگیرند برای نهمین روز تجمع داشتند. کارگران هفت تپه با شعار "ملی، هفت تپه،

روز ۲۲ آبان کارگران گروه ملی فولاد اهواز در ادامه اعتراضاتشان در مقابل دادگستری اهواز تجمع کردند. در این روز کارگران با تجمع در مقابل دادگستری و شعار نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد؛ کل بساط سرکوب و جنایت حکومت اسلامی را به چالش کشیدند و بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. در این روز کارگران گروه ملی بعد از تجمع مقابل دادگستری به سوی ساختمان مرکزی بانک ملی (مالک کنونی شرکت) راهپیمایی کردند و با سر دادن شعارهای کوبنده شان در مقابل این بانک تجمع کردند. کارگران ساعت یازده و نیم صبح به تجمع خود خاتمه دادند. این اعتراضات ادامه دارد.

اعتراض کارگران گروه ملی به تعطیلی کشیده شدن خط تولید و نداشتن امنیت شغلی، عدم پرداخت ۴ ماه مزد، و تاکید بر خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی است. یک تاکید مهم این کارگران

در این روز کارگران گروه ملی در خیابان فلسطین منتهی به میدان هلال احمر راهپیمایی کردند و با شعارهایی چون "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "گروه سرد و خاموش، مرگ بر مافیا"، "دستهای پشت پرده، با گروه ملی چه کرده"، "فرماندار استاندار، بیعرضه و بیخیال" و "این همه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی" علیه بساط چپاول و دزدسالار حاکم که منجر به خوابیدن تولید کارخانه و خطر از دست دادن شغلشان شده است، فریاد سر دادند. طنین شعارهای کوبنده کارگران فولاد شهر اهواز را تحت تاثیر قرار داده بود. همه جا از اینکه کارگران گروه ملی دوباره به خیابان آمده اند، سخن گفته میشود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز با شعار نه تهدید،

روز ۲۱ آبان کارگران مجتمع گروه ملی فولاد اهواز برای سومین روز متوالی مقابل استانداری شهر تجمع کردند و پیگیر خواستههایشان شدند. در این روز بار دیگر شاهد راهپیمایی کارگران گروه ملی در خیابان های شهر و سردادن شعارهایشان بودیم. خواستههای فوری این کارگران پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه، بازگشت به کار کارگران اخراجی و تأمین مواد اولیه و راه اندازی خط تولید و امنیت شغلی شان است. یک تاکید این کارگران در مبارزاتشان حق داشتن تشکل است و بر ضرورت ایجاد شوراها مستقل کارگری به عنوان ظرفی برای دخالتگری و عمل مستقیم خود و ایستادن در برابر چپاول ها و دزدی ها بوده است.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کارگران نیشکر هفت تپه اعتراضشان را به سطح شهر کشاندند

فریاد "مردم شوش، حمایت، حمایت" شهر را فراگرفت

از ساعات اولیه روز پنجشنبه ۲۴ آبانماه ۹۷ با وجود بارش باران شدید کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در شماری گسترده مقابل فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند. سپس چند هزار کارگر معترض این کارخانه بصورت راهپیمایی و شعار گویان، اعتراض خود را به سطح شهر کشانده و با شعار "مردم شوش، حمایت، حمایت" مردم شهر را به حمایت از اعتراضاتشان فراخواندند. با توجه به اینکه دو اعتراض کارگری قدرتمند هفته تپه و گروه ملی در کنار هم به جلو میروند، در این روز بار دیگر کارگران نیشکر هفت تپه شعار "هفت تپه، فولاد، پیوندتان مبارک" را سر دادند و بر همبستگی اعتراضات تاکید کردند.

یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه پایان دادن به مالکیت بخش خصوصی و اداره این

شرکت تحت نظارت شورای مستقل کارگران و بر ملا شدن دزدی های پشت پرده ایست که کارخانه را با بحران و تعطیلی تولید روبرو ساخته است. این وضعیت اشتغال هزاران کارگر را به خطر انداخته است.

کارگران نیشکر هفت تپه همچنین خواستار پرداخت فوری سه ماه دستمزد معوقه، ایمنی محیط کار و دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن حق تشکل هستند. دیگر شعارهای اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در این حرکت از جمله عبارتند بودند از "نه تهدید، نه زندان دیگر اثر ندارد"، "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد".

امروز یازدهمین روز اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه است و آنها در آخر حرکت اعتراضی امروزشان یکصدا فریاد زدند که تا رسیدن به

پیش بسوی اعتصابات سراسری زنده باد شورای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ آبان ۱۳۹۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

تجمع و شعار دادن کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری شوش

روز ۲۲ آبان کارگران نیشکر هفت تپه اعتصاب خود را به بیرون از کارخانه کشاندند و در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. یکی از شعارهای کارگران تاکید بر اتحاد کارگری بود و کارگران شعار میدادند "فولاد، هفت تپه، اتحاد اتحاد". این شعار به کارگران راه نشان میدهد و بر همبستگی و پیوستگی اعتراضات کارگری تاکید میکند که برای عملی شدن خواستهای کارگران و عقب راندن حکومت و کارفرمایان در این شرایط بسیار مهم و حیاتی است. خواستهای فوری کارگران اعتصابی هفت تپه عبارتند از: پایان دادن به مالکیت بخش خصوصی و کل بساط دزدی و چپاول در این کارخانه، راه اندازی بخش های تولیدی کارخانه و تامین امنیت شغلی آنها، قرار

گرفتن اداره کارخانه تحت نظارت شورای مستقل کارگری آنها، پرداخت فوری سه ماه دستمزد معوقه، ایمنی محیط کار و دائمی شدن قراردادهای کار. در این روز کارگران با شعارهایی نظیر "فولاد، هفت تپه، کارگران متحد"، "ترسید، ترسید، ما همه با هم هستیم"، "مرگ برستمگر، درود بر کارگر"، "نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد و شعارهای دیگری اعتراض خود را به کل این بساط توحش و بردگی اعلام داشته و بر همبستگی مبارزاتی کارگران تاکید کردند. کارگران با این شعارها در عین حال عزم خود را به ادامه مبارزه اعلام کردند و به این ترتیب پاسخ سرکوبگری های حکومت را میدهند. تجمع اعتراضی امروز

پیش بسوی اعتصابات سراسری زنده باد شورای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آبان ۱۳۹۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸

هشتمین روز اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۲۱ آبان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد هشتمین روز خود شد. پایان دادن به مالکیت بخش خصوصی بعنوان جزئی از سیستم چپاول حاکم خواست اول این کارگران است و در عین حال کارگران میگویند اگر مالکیت شرکت به دولت هم باز گردد، باید کارخانه تحت نظارت مستقیم شورای مستقل خود کارگران کنترل و اداره شود. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبها، ایمنی محیط کار، قراردادهای دائمی کار، راه اندازی فوری بخش های تولیدی کارخانه و تامین امنیت شغلی شان هستند. این کارگران اعلام کرده اند که باوری به وعده های شفاهی ندارند و هر گونه توافقی باید رسمی و کتبی باشد و تا وقتی به خواستهایشان پاسخ داده نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان ضمن تایید خبر اعتراض این کارگران بخاطر دستمزدهای معوقه و وضعیت نابسامان این مجتمع، حرفش در مقابل اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه اینست که ما در قبال مالکیت هفت تپه مسوولیتی نداریم! او با سکوت در مقابل دزدیها و اختلاس های رو شده توسط مدیریت کنونی، با گفتن اینکه وضعیت مالکیت شرکت که دیگر اعتراض لازم ندارد سعی میکند موضوع را حاشیه ای کند. در اعتراض این روز یکی از

نمایندگان منتخب کارگران در مقابل مجمع عمومی کارگران از روال پیگیری کارها توسط شورای منتخب شان، گزارشی داد و گفت که حرف آنان با مقامات این است که آنها بعنوان نماینده وظیفه گزارش دهی به مجمع کارگران را دارند و تصمیم نهایی با کارگران است و بر خواست کوتاه شدن دست سهامداران این مجتمع تاکید کرد. جمعیت کارگران به نشانه تایید برای او کف زدند. سهامداران این مجتمع همان کسانی هستند که با دزدی هایشان این مجتمع را رو به نابودی کشانده اند و پرونده های دزدی هایشان رو شده است.

شکل گیری شورای کارگران در نیشکر هفت تپه و گزارش دهی مرتب نمایندگان منتخب آنان به مجمع شان، یک سنت پیشرو و یک نقطه قوت مهم در اعتراضات کارگران این مجتمع کارگری است که ضامن حفظ اتحاد و همبستگی آنهاست. شورای کارگران نیشکر هفت تپه، یک نهاد و سنت ارزشمند برای همه کارگران است. حزب کمونیست کارگری ضمن تبریک به کارگران نیشکر هفت تپه بخاطر به راه افتادن شورای مستقلشان حمایت قاطع خود را از مبارزات این کارگران اعلام میکند.



چند خبر کارگری

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه فردا مقابل فرمانداری

تمامی معلمان دستگیر شده باید بی قید و شرط آزاد شوند!

پارچه شور شعار "فولاد، هفت تپه، پیوندتان مبارک" را سر دادند.

کارگران نیشکر هفت تپه در روز گذشته با راهپیمایی و با شعارهای کوبنده شان به بازار شوش رفتند و کارگران نیشکر هفت تپه با شعار "مردم شوش، حمایت، حمایت" خواستار حمایت مردم این شهر از اعتراضاتشان شدند.

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا به شورای آنها و تصمیم گیریهای متحدانه شان در مجمع عمومی و پیوستن خانواده های کارگران با قدرت به جلو میروند و به همه کارگران راه نشان میدهد. از این اعتراضات وسیعا حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۱۳۹۷، ۱۶ نوامبر
۲۰۱۸

جمع میشویم همین جا". سخنان او با تایید و کف زدن کارگران پاسخ گرفت.

اسماعیل بخشی در حرکت اعتراضی روز گذشته این کارگران از همه کارگران و بخش های مختلف خواستار حمایت و پشتیبانی از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه شد. این فراخوان پاسخ گرفت و پیامهایی در همبستگی با مبارزات آنان از سوی مردم شهر شاورور، کشاورزان شوش و حومه، کارگران شرکت قند شوش، جوانان روستای مالک اشتر و کارگران گروه ملی فولاد اهواز ارسال شده است که امروز در گروه تلگرامی کارگران نیشکر هفت تپه انتشار یافته است. روز گذشته اسماعیل بخشی در سخنانش از کارگران گروه ملی فولاد اهواز و دانشجویان و همه بخش هایی که از اعتراضات آنان حمایت کرده اند تشکر کرد و جمعیت با یک

امروز ۲۵ آبان ماه اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه وارد دوازدهمین روز خود شد. در این روز کارگران بعد از راهپیمایی در سطح شهر و سردادن شعارهای اعتراضی به مصلائی شوش رفتند و نماز جمعه را به محل اعتراض کارگران تبدیل کردند. نیروهای بسیج حکومتی با شماری از کارگران درگیر شدند اما نتوانستند مانع شعار دادن کارگران علیه دزدیهای حکومتی شوند. در تجمع این روز اسماعیل بخشی نماینده منتخب شورای کارگران نیشکر هفت تپه سخنرانی کوتاهی کرد. او با گفتن اینکه حرکت امروز ما راهپیمایی در سطح شهر بود، اعلام کرد که تجمع فردا در مقابل فرمانداری خواهد بود و از کارگران خواست که با خانواده هایشان شرکت کنند. او گفت: "تمام مدارس تعطیل، با همه خانواده و بچه ها، با کیف و کتاب و درسشان باز

راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز در

خیابانهای اهواز

ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد

ماه، از جمله خواستهای فوری این کارگران است. تاکید کارگران گروه ملی بر حق تشکل و داشتن شورای مستقل کارگری، همچنین تاکید آنها بر اتحاد و همبستگی کارگری و شعار "فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد" از نقطه قدرت ها و پیشروی مهم مبارزات این کارگران و کل جامعه است.

جمهوری اسلامی و یک مشت مفتخور سرمایه دار بر کل ثروتهای جامعه چنگ انداخته اند و حتی حقوق توافق شده کارگر را نمی پردازند و ثرتهای عظیم و نجومی ای به هم زده اند. این در حالی است که کارگران که کار میکنند و همه چیز را تولید میکنند برای تامین اولیه ترین نیازهای زندگی با

نه دولت، نیستند به فکر ملت"، و همچنین با شعار "دردا همه همدستن، راه قانونو بستن"، اعتراض و خشم خود را نسبت به کل مافیای چپاولگر حاکم ابراز داشتند.

کارگران گروه ملی اعلام کرده اند که تا پرداخت کامل طلبها، به راه افتادن خطوط تولید و کنار رفتن خطر بیکار شدن از کارشان و پاسخ به خواستهای اعلام شده شان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. ورود مواد اولیه و راه اندازی تمام خطوط تولید، امنیت شغلی، جمع شدن بساط دزدسالاری در کارخانه و کوتاه شدن دست افرادی که در دزدی ها دخیل بوده اند، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و پرداخت بوقع دستمزدها در هر

اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز ۲۳ آبان وارد پنجمین روز خود شد. در این روز کارگران در حالیکه شعارهای اعتراضی شان بر فضای خیابان ظنین انداخته بود، بسوی استانداری راهپیمایی کرده و در آنجا تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران گروه ملی با شعار "ملی، هفت تپه، اتحاد، اتحاد" پاسخ پیام همبستگی همسنگران اعتصابی خود در هفت تپه را دادند و بدین ترتیب زنجیره اعتراضات کارگری میروند تا به حلقه ای از اتحاد و همبستگی کارگری تبدیل شود. کارگران گروه ملی در این روز با شعارهایی چون "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "نه حاکم

و شاخص های قرن بیست و یکم باشد. معلمان خواهان لغو پروژه خصوصی سازی و پولی سازی مدارس و آموزش رایگان برای همگان هستند. تحصیل و آموزش امتیازی نیست که خریداری شود، برعکس یک حق اولیه و همگانی در جامعه است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواستهای برحق و انسانی معلمان سراسر کشور دفاع میکند و همه مردم را به دفاع از اعتراضات و خواستهای برحق آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری برای جامعه ای مبارزه میکند که اعتراض حق ابتدایی و بی قید و شرط تمام شهروندان جامعه است. آزادی بی قید و شرط است. جامعه ای که در آن زندانی نیست، زندانی سیاسی نیست؛ جامعه ای که در آن برخورداری از آموزش و بیمه و درمان رایگان و مناسب حق پایه ای همگان است؛ جامعه ای که بر مبنای رفاه و خوشبختی همگان سازمان یافته است؛ کسی محروم نیست، کودکی در خیابانها به دنبال تامین معاش نیست، فقیر و محرومی نیست؛ جامعه ای که دست مذهب از حاکمیت و آموزش و پرورش و دستگاه قضایی کوتاه شده است. جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی!

زنده باد مبارزات حق طلبانه معلمان مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ آبان ۱۳۹۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

زنده باد سوسیالیسم

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود